۷

موسسه فرهنگی مطالعات
وتحقیقات بین المللی ابرار معاصر تهران

پژوهش وتحقیق

((مسلمانان در انگلیس))

پژوهش حاضر سعی دارد به بررسی گوناگونی و تنوع مسلمانان و زندگی آنها در انگلستان پرداخته و با معرفی جریان‌های مهم اسلامی در این کشور، نمایی کلی از مشکلات، دیدگاهها و جهت‌گیریهای آنان ارائه نماید.

شماره ۸۶/۱۰۴/۹۴ آبان ۱۳۸۶

مسلمانان در انگلیس

مؤسسهٔ فرهنگی مطالعات و تحقیقات
بین‌المللی ابرار معاصر تهران

۱۳۸۶

سرشناسه	: کاردان، عباس، ۱۳۵۶ –
عنوان و نام پدیدآور	: مسلمانان در انگلیس/ تالیف عباس کاردان؛ نظارت و اجرا مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.
مشخصات نشر	: تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران، ۱۳۸۶.
مشخصات ظاهری	: ۶۴ ص.: نمودار.
فروست	: انتشارات مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران؛ ۲۵۳. سیاست جهانی؛ ۱۳۲.
شابک	: ۳۲۰۰۰ ریال: 964-526-061-2
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیپا
یادداشت	: کتابنامه: ص. ۵۹ ـ ۶۴.
موضوع	: مسلمانان – انگلستان.
موضوع	: انجمن‌های اسلامی – انگلستان.
موضوع	: مسلمانان – انگلستان – وضع سیاسی و اجتماعی.
شناسه افزوده	: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.
رده‌بندی کنگره	: DA ۱۲۵ /۵م ۲ک
رده‌بندی دیویی	: ۳۰۵/۶۹۷۰۹۴۱
شماره کتابشناسی ملی	: ۱۱۲۰۴۷۸

انتشارات مؤسسهٔ فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران

تهران: صندوق پستی ۳۸۴۹ ـ ۱۵۸۷۵، تلفن: ۸۸۵۰۰۲۵۰، نمابر: ۸۸۷۵۶۲۰۷

نشانی اینترنت: www.tisri.org پست الکترونیک: info@tisri.org

پژوهش و تحقیق: مسلمانان در انگلیس

نظارت و اجرا: مؤسسهٔ فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران ـ معاونت پژوهشی

تألیف: عباس کاردان

صفحه‌آرا: منصوره سعادت

چاپ نخست: آبان ماه ۱۳۸۶

شابک: ۲ ـ ۰۶۱ ـ ۵۲۶ ـ ۹۶۴

شماره: ۸۶/۱۰۴/۲۹

کدبازیابی در کتابخانه دیجیتالی دید: RS0002007421181010

شمارگان: ۴۰۰ نسخه

قیمت: ۳۲۰۰ تومان

پیش‌گفتار

در حال حاضر، وضعیت مسلمانان یکی از مهم‌ترین مسائل پیش روی جامعه کنونی بریتانیا می‌باشد، به گونه‌ای که در پی وقوع حملات تروریستی لندن و گسترش دیدگاه‌های افراط‌گرایانه در میان برخی مسلمانان، شاهد افزایش شمار حملات ضد مسلمانان این کشور، افزایش تهدیدات ضد آزادیهای مدنی به نام اقدامات امنیتی، گسترش اقدامات فعالان راست تندرو در انگلیس و شدت عمل ضد پناهندگان می‌باشیم. از دید ناظران، تمامی این موارد مسائلی جدی هستند که دولت بریتانیا را درگیر خود ساخته و کاستی‌هایی را در زمینه تعهد این کشور نسبت به حقوق اقلیت‌ها به ذهن متبادر می‌سازند.

از سوی دیگر، هرچند مسلمانان سهم بزرگی در کمک به حیات فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و مدنی بریتانیا دارند، ولی بسیاری از مردمان این کشور در بریتانیا نسبت به اسلام و تعالیم آن آگاهی نداشته و بخشی از رسانه‌ها با استفاده از کلیشه‌های متعصبانه، تحریک نژادپرستی، عدم تساهل و خشونت سعی دارند تا این مذهب را به نادرست برای مردم بریتانیا معرفی کنند.

در کل اینکه تبعیض علیه مسلمانان موضوعی تازه در بریتانیا نبوده و از مدت‌ها قبل وجود داشته است، منتهی پس از ماجرای سلمان رشدی، حوادث یازده سپتامبر و بمب‌گذاریهای لندن نمود عینی پیدا کرده و رسانه‌ها نیز که منتظر چنین فرصتی بودند، بر این مساله دامن می‌زنند.

در عین حال، برخلاف آنچه چیزی که در رسانه‌های این کشور

می‌آید، مسلمانان در بسیاری از حوزه‌های بشری پیشرو بوده و سبب توسعه آن‌ها در جوامع غربی شده‌اند. به علاوه، اسلام ثابت کرده است که نسبت به بسیاری از زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی- اقتصادی انعطاف داشته و میل به سازگاری دارد. در واقع به همین دلایل بود که مسلمانان بریتانیا پس از چندی به فکر ایجاد سازمان‌ها و نهادهایی افتادند که در راستای خواسته‌های آنها حرکت کرده و بتوانند در سیاست دولت بریتانیا تأثیرگذار باشند.

به هرحال، همچون تمامی جوامع، تصویر جامعه مسلمانان بریتانیا نیز پیچیده بوده و به لحاظ سن، طبقه، جنسیت و تفاوتهای منطقه‌ای اختلافات فراوانی با یکدیگر دارند و باید گفت که هیچ نوع دیدگاه اسلامی یکپارچه‌ای وجود ندارد، به همین جهت شاهد رشد سازمان‌های کثیری از مسلمانان هستیم که شناخت آنها را تا حدودی مشکل می‌سازد.

در این راستا پژوهش حاضر سعی دارد با توجه به حساسیت این موضوع به بررسی گوناگونی و تنوع مسلمانان و زندگی آنها در بریتانیا به همراه ریشه‌ها، هویت‌ها و گروه‌بندیهای متفاوت آنان پرداخته و با معرفی جریان‌های مهم اسلامی در این کشور، نمایی کلی از دیدگاهها و جهت‌گیریهای آنان را ارائه نماید. در بخشی نیز به تصویر ارایه شده از مسلمانان در رسانه‌های بریتانیا و ایجاد مسأله اسلام‌هراسی در این کشور پرداخته خواهد شد.

با این توضیح، امید است پژوهش حاضر مورد توجه صاحب‌نظران این حوزه قرار گرفته و به عنوان چارچوبی اساسی برای پژوهش‌های تکمیلی در این زمینه مورد استفاده قرار گیرد.

عباس کاردان

فهرست مطالب

مقدمه

به طور کلی در کشور انگلیس سه گروه از مسلمانان را می‌توان از یکدیگر متمایز ساخت: نخست مردان و زنانی که به این کشور مهاجرت کرده و بافت فرهنگی آنها انگلیسی نیست؛ دوم کودکان و نواده‌های گروه اول که همزمان به دو جهان سرزمین پدری و انگلیس تعلق داشته ولی جهان انگلیسی تأثیر بسیار بیشتری بر آنها دارد؛ سوم نیز کسانی هستند که به دین اسلام درآمده‌اند.

با این حال، بافت داخلی مسلمانان بسیار متفاوت بوده و برخلاف برداشت‌ها و کلیشه‌های رایج از آنان به عنوان گروهی یکپارچه، باید گفت که یکی از جنبه‌های بارز مسلمانان ساکن در انگلیس گوناگونی و تنوع آنها می‌باشد. این امر در طیف گسترده‌ای از زمینه‌های قومی بازتاب دارد و مستقیماً به این حقیقت مربوط می‌شود که مهاجرت مسلمانان به بریتانیا از بخش‌های مختلف جهان، ویژگی مهم آنان در ۱۵۰ سال گذشته محسوب می‌شود.

اکثریت آنان از کشورهای مسلمانی چون پاکستان، بنگلادش و کشورهای خاورمیانه مهاجرت کرده‌اند که با ورود به جامعه‌ای غیرمسلمان، با مشکلات زبانی، نگرانی‌های فرهنگی و انتظارات آموزشی و روی هم رفته، وضعیتی طاقت‌فرسا مواجه شده‌اند.

برداشت آنان از غرب و کشورهای غربی و از جمله انگلستان، جامعه‌ای مسیحی بود با روحیاتی مذهبی و کلیساهایی که یکشنبه‌ها پر از نمازگزاران می‌شد. اما آنچه که دیدند، چهره‌ای کاملاً متفاوت و دور از انتظار بود: فرهنگی مدرن و بی‌دین که مسیحیت، در حاشیه آن قرار می‌گرفت. از این گذشته، درک خود مهاجران از اسلام با درک قومی و فرهنگی‌شان از آن درهم آمیخته شده بود، بنابراین آداب و رسوم این گروه‌های مهاجر در ارائه معنی دین‌شان در انگلستان نقش مهمی داشته است. ساکنان بومی انگلستان نیز مسلمانان را با فرهنگ، تعالیم و باورهای یکپارچه می‌شناختند، آنها فقط آسیایی تبارها را می‌دیدند و تفاوت اندکی میان مسلمانان، هندوها یا سیک‌ها قائل بودند.

به هرحال، در اوایل دهه ۱۹۶۰ اسلام نقشی وحدت‌بخش در میان کارگران مسلمان ایفا کرده و فراتر از مرزهای قومی، زبانی و سیاسی بود و حسی از هویت یکپارچه را ایجاد کرده بود که تفاوتهای دیگر را می‌پوشانید. ولی این وضعیت در اواسط دهه ۱۹۷۰ تغییر کرد و جوامع و سازمان‌های بسیاری ظاهر شدند که هرکدام نشان و هویت خاص ملی، قومی، زبانی و مذهبی داشتند. سپس از اواسط دهه ۱۹۸۰ به بعد، مسلمانان بریتانیا در تعاملات خود با دولتهای محلی و دیگر حوزه‌های حیات عمومی از سازماندهی بهتر و موثرتر برخوردار شدند و با کسب تجربیات بیشتر در این زمینه‌ها، برنامه‌های خود را جهت توجه به مسائل مختلف در طیفی از تصویب قانون خانواده اسلامی تا نمایندگی سیاسی گسترش دادند، به گونه‌ای که تا اواسط دهه ۱۹۹۰، حداقل

۸۳۹ مسجد و بیش از ۹۵۰ سازمان از مسلمانان در طیفی از گروههای محلی تا سازمان‌های حمایتی در سطح ملی وجود داشت.[۱]

هم‌اکنون نیز با وقوع حملات یازده سپتامبر و اقدامات تروریستی در لندن، فشار بر مسلمانان این کشور افزایش یافته و نوعی «اسلام‌هراسی» در جامعه بریتانیا ضدمسلمانان بوجود آمده است. آنان نیز در واکنش به این پدیده شیوه‌های تبلیغی مختلفی را اتخاذ کرده‌اند. به هرحال باید عنوان داشت که اکثریت جامعه اسلامی بریتانیا را مسلمانان میانه‌رو تشکیل می‌دهند و گروههای کوچکی نیز دارای دیدگاههای افراطی می‌باشند که برخی از آنها از سوی دولت انگلیس غیرقانونی اعلام شده‌اند.

تاریخچه‌ای از مسلمانان انگلیس

عده‌ای بر این باور هستند که اسلام از ادیان تازه وارد بریتانیا محسوب می‌شود، اما پادشاهی متحد انگلستان قرنهاست که با جهان اسلام در تماس بوده است، به گونه‌ای که افا[1] (۷۵۷– ۷۹۶ پس از میلاد) پادشاه مرسیا[2] (کشوری در جنوب و مرکز انگلستان در دوران باستان) در قرن هشتم با الهام از جهان اسلام اقدام به ضرب سکه کرد که برخی عنوان می‌دارند این سکه‌ها هدیه‌ای از سوی حاکم وقت مسلمانان «منصور» بوده یا برای تسهیل تجارت با امپراطوری در حال رشد مسلمانان ضرب شده است.[۲]

---

1. Offa
2. King of Mercia

درکتاب شیخ مشیر حسین کیدوای[1] (از مسلمانان هند، ۱۸۷۸ - ۱۹۳۷) در سال ۱۹۲۹ نیز آمده است که در اوایل تماس بریتانیا با اسلام برای نخستین بار یک ایرانی به فکر اشاعه و ترویج دین اسلام در انگلیس افتاد، ولی در این راه موفقیتی کسب نکرد.(۳)

به هرحال می‌توان از «جان نلسون»[2] و کاپیتان جان وارد[3] (از دریانوردان انگلیسی) به عنوان نخستین کسانی نام برد که به دین اسلام مشرف شدند.(۴) بعدها برخی از مسیحیان نیز به دین اسلام علاقمند شده و در این زمینه مطالعه کردند. در قرن نوزده اولین مساجد در بنادر بریتانیا ساخته شدند که اولین آنها در سال ۱۸۶۰ در شهر بندری کاردیف[4] بود.

از دهه ۱۹۵۰ به بعد نیز مهاجران بسیاری از مستعمره‌های سابق بریتانیا به این کشور سفر کردند. به هرحال، اگرچه مهاجرت مسلمانان به انگلیس از اواسط قرن نوزده آغاز شد، ولی نقطه عطف آن را می‌توان افتتاح کانال سوئز در سال ۱۸۶۹ دانست. این کانال تجارت میان بریتانیا و مستعمرات آن را تسهیل کرده و موجب شد تا نیرویی از کارگران یمنی برای کار در کشتی‌ها و بنادر به کار گرفته شوند. آنها نخستین گروه از مهاجران مسلمان بودند که به بنادر کاردیف، لیورپول، پولاکشیلدز[5] و لندن در بریتانیا وارد شدند. از اینرو، بین سالهای ۱۸۹۰ تا ۱۹۰۳ در حدود چهل هزار ملوان وارد سواحل بریتانیا شده و بر طبق برخی

---

1. Sheikh Mushir Hosain Kidwai
2. John Nelson
3. John Ward
4. Cardiff
5. Pollockshields

گزارشات سی هزار نفر از آنها بخشی از عمر خود را در بریتانیا گذراندند. به همین دلیل، هم‌اکنون در شهرهای بندری همچون کاردیف و لیورپول چندین نسل از مسلمانان وجود دارند.

در این دوره همچنین برخی از کارمندان مسلمان در شبه قاره هند نیز برای کسب تجربه یا آموزش در بریتانیا جهت کسب پیشرفت شغلی به این کشور رفته و برخی از آنها در آنجا ساکن شدند که از جمله این اشخاص می‌توان به عبدالله یوسف علی، از کارمندان و مترجم قرآن به زبان انگلیسی اشاره کرد که در بریتانیا ازدواج و زندگی کرده و همانجا فوت کرد. از طرف دیگر برخی انگلیسی‌ها نیز در پی آشنایی با بعد عرفانی اسلام جذب آن شده و مسلمان شدند.(۵) برای مثال، ویلیام اچ کیلیام[1] (شیخ عبدالله کیلیام که به طور آشکار به دین اسلام درآمد) از حقوقدانان لیورپول، در سال ۱۸۸۷ به مراکش سفر کرده و در آنجا جذب اسلام شده و مسلمان گردید. وی پس از بازگشت به انگلستان مسجد لیورپول و نهاد اسلامی[2] را بنیان گذاشت. ویلیام کیلیام سپس هفته‌نامه «هلال» را در زمینه اسلام و مسلمانان منتشر ساخت. وی همچنین یتیم‌خانه‌ای را با نام «خانه مدینه»[3] تأسیس کرد.(۶)

نهاد مهم دیگر «هیأت کاری»[4] بود که در ابتدا از سوی دکتر لیتر[5] از شرق‌شناسان مجارستان تأسیس شد ولی به مدت دوازده سال تا ورود خواجه کمال‌الدین از هندوستان به انگلیس در سال

1. William H. Quilliam
2. Muslim Institute
3. Madina House
4. The Working Mission
5. Dr. Leither

۱۹۱۲ چندان اهمیتی نداشت. وی برای اصلاح سوء برداشت‌ها در مورد اسلام ماهنامه‌ای را با نام «برآورد اسلام» در سال ۱۹۱۳ منشر ساخت. زمانیکه یکی دیگر از انگلیسی‌ها به نام لرد هدلی[1] (الحاج الفاروق) مسلمان شد، «هیأت کاری» نیز از توان بالایی برخوردار شد. هدلی سپس در سال ۱۹۱۴ «جامعه مسلمانان بریتانیا» را بنیانگذاری کرد. وی همچنین در سال ۱۹۱۶ از وزیر خارجه بریتانیا خواست تا به نشانه یادبود سربازان مسلمان کشته‌شده در ارتش امپراطوری بریتانیا، سرمایه‌ای برای ساخت مسجدی در لندن اختصاص داده شود که تا زمان دوره تصدی چرچیل در سال ۱۹۴۰ چنین بودجه‌ای اختصاص داده نشد.(۷)

پس از جنگ جهانی دوم مهاجرت مسلمانان به این کشور به لحاظ تعداد افزایش زیادی داشت، هرچند این افزایش بیشتر به دوره بعد از سال ۱۹۶۱ مربوط می‌شد که با خبر قریب‌الوقوع بودن تصویب قانون مهاجرت همراه بود. این رشد مهاجرت همچنان در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ تداوم داشت.

مهاجرت دسته جمعی از پاکستان (از جمله بنگلادش) ریشه در استعمارگری داشت، زیرا بسیاری سربازان پاکستانی که در زمان جنگ در ارتش بریتانیا خدمت می‌کردند در این کشور ساکن شدند. به هرحال تا زمان تجزیه هندوستان شمار آنها کم بود. تجزیه سبب جابه‌جایی و مهاجرت کثیری از مردمان مناطق پنجاب و میرپور[2] شد که همین امر افزایش مهاجرت در بریتانیا را

1. Lord Headley 2. Mirpur

به دنبال داشت. عامل مهم دیگر در مهاجرت گسترده از شبه قاره هند عبارت از ساخت سد منگلا[1] در پاکستان بود. ساخت این سد جابه‌جایی بیش از یکصد هزار نفر را در پی داشت که برخی با دریافت غرامت به مناطق دیگر رفته و برخی نیز با حمایت بستگان خود در انگلیس به آن کشور مهاجرت نمودند.(۸)

دومین موج مهاجرت از کشورهای افریقای شرقی بود که در پی یافتن کار به انگلیس آمدند. موج دیگر نیز به اوایل دهه ۱۹۶۰ مربوط می‌شود که طی آن دانشجویان کشورهای مسلمان از جمله مالزی، ایران، پاکستان، عراق، عربستان و کشورهای حوزه خلیج فارس برای کسب تحصیلات بالاتر به این کشور آمدند.(۹)

در این زمان همچنین شماری از سازمان‌های اسلامی نیز تأسیس شدند، منجمله «هیأت اسلامی»[2] (۱۹۶۲)، جامعه دانشجویان مسلمان[3] (۱۹۶۲)، مسلمانان جوان[4] (۱۹۸۴)، حزب اسلامی[5] (۱۹۸۹)، جامعه اسلامی بریتانیا[6] (۱۹۹۰) و پس از آنها پارلمان اسلامی،[7] کمیته اقدام بریتانیا در امور اسلامی[8]، هیأت اسلامی جهان،[9] جماعت العلمای اسلامی و بسیاری نهادهای دیگر.(۱۰)

---

1. Mangla Dam
2. Islamic Mission
3. Muslim Student's Society
4. Young Muslims
5. Islamic Party
6. Islamic Society of Britain
7. Muslim Parliament
8. UK Committee of Islamic Affairs
9. World Islamic Mission

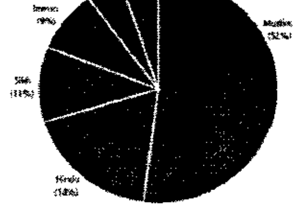
جمعیت‌شناسی مسلمانان انگلیس

بر اساس سرشماری سال ۲۰۰۱، در حدود ۱/۶ میلیون مسلمان در میان جمعیت حدوداً ۶۰ میلیونی انگلیس زندگی می‌کنند که چیزی در حدود ۳ درصد از کل جمعیت بریتانیا را شامل می‌شوند. بر این اساس، مسلمانان بزرگترین اقلیت مذهبی در بریتانیا بوده (۵۲ درصد از کل مذاهب غیرمسیحیت) و ۴۶ درصد از آنان متولد این کشور می‌باشند.[۱۱]

ترکیب جمعیتی بریتانیا به تفکیک مذهب، آوریل ۲۰۰۱[۱۲]

[illegible]	[illegible]	[illegible]
مسیحیت	۴۱,۰۱۴,۸۱۱	۷۱/۸
اسلام	۱,۵۸۸,۸۹۰	۲/۸
هندو	۵۵۸,۳۴۲	۱/۰
سیک	۳۳۶,۱۷۹	۰/۶
یهودیت	۲۶۷,۳۷۳	۰/۵
بودایی	۱۴۹,۱۵۷	۰/۳
مذاهب دیگر	۱۵۹,۱۶۷	۰/۳

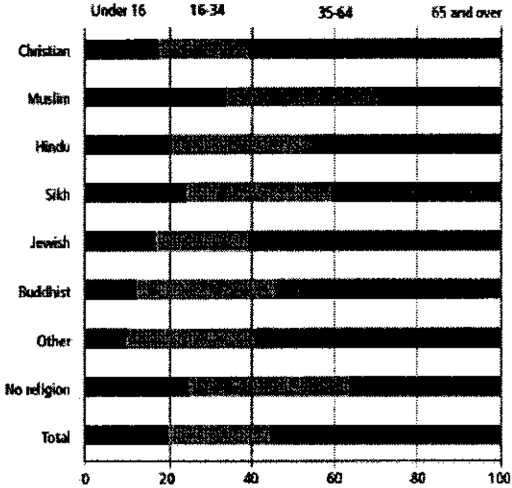
توزیع مذاهب غیرمسیحیت در بریتانیا، آوریل ۲۰۰۱[۱۳]



اکثر این مسلمانان همچنین دارای ریشه‌هایی در مستعمرات سابق بریتانیا از جمله پاکستان، بنگلادش و هندوستان می‌باشند. کمبود کارگر در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰، سبب شد تا بر مبنای سیاستهای جدید مهاجرتی شمار بسیاری از کارگران مسلمان از این کشورها به انگلیس بیایند. هم‌اکنون ۷۳ درصد از کل مسلمانان انگلیس آسیایی‌تبار بوده (۴۳ درصد پاکستانی، ۱۶ درصد بنگلادشی، ۸ درصد هندی و ۶ درصد از کشورهای دیگر آسیایی) و بقیه از مسلمانان عرب، افغانی، ایرانی، ترکی، کردی (ترکیه) و افریقایی هستند.[۱۴]

در عین حال، مسلمانان از ترکیب جمعیتی جوانی نیز برخوردار می‌باشند، به طوریکه یک سوم جمعیت مسلمانان زیر ۱۶ سال می‌باشد. برخی از کارشناسان نیز بر این باورند که اگر مهاجران غیرقانونی نیز در ارقام رسمی دولتی منظور شوند، آنگاه جمعیت مسلمانان به دو میلیون نفر خواهد رسید.[۱۵]

ترکیب مذهب به تفکیک سن، آوریل ۲۰۰۱[۱۶]



بر اساس برآوردهای صورت گرفته، کل شمار بریتانیایی‌های مسلمان‌شده نیز ۵ هزار نفر است که بسیاری از آنها آفریقایی‌تبار بوده یا از حوزه کارائیب می‌باشند.[۱۷] بریتانیایی‌های سفید پوست نیز غالباً بواسطه طریقت صوفی به دین اسلام درآمده‌اند.[۱۸]

اکثریت مسلمانان انگلیس در لندن سکونت داشته که از آن میان ۶۰ درصد آنها در بخش جنوب شرقی این شهر (لندن بزرگ) زندگی می‌کنند. بر اساس برآوردهای انجام‌شده، اسکاتلند دارای جمعیتی میان ۴۰ تا ۶۰ هزار مسلمان می‌باشد.[۱۹] بر اساس سرشماری سال ۱۹۹۱، در ایرلند شمالی نیز تنها ۹۲۵ مسلمان زندگی می‌کردند که اکثراً از ملیت پاکستانی بودند[۲۰] ولی برآوردهای اخیر نشان از سکونت ۴ هزار مسلمان در این منطقه دارد.[۲۱] در عین حال برآورد می‌شود که ۵۰ هزار مسلمان نیز در

منطقه ویلز سکونت داشته باشند.[۲۲]

بر طبق یکی از گزارش‌های فاش‌شده دولتی در سال ۲۰۰۴، به نسبت کل جمعیت بریتانیا، نرخ بیکاری مسلمانان سه برابر پیروان مذاهب دیگر بوده و همچنین پایین‌ترین نرخ فعالیت اقتصادی، بالاترین درصد افراد غیر ماهر و بالاترین تمرکز جمعیت در نواحی محروم مسکونی نیز مختص مسلمانان می‌باشد. مهاجران از پاکستان و بنگلادش نیز محروم‌ترین گروهها هستند. درعین حال، هرچند مسلمانان تنها ۳ درصد از کل جمعیت بریتانیا را شامل می‌شوند، ولی بیش از ۸ درصد از زندانیان این کشور را تشکیل می‌دهند.[۲۳]

همچنین براساس گزارش دیگری از دولت بریتانیا در سال ۲۰۰۶ تنها پنجاه درصد مسلمانان انگلیسی بالای ۲۵ سال رسماً به کار مشغولند، درحالیکه این آمار درکل جمعیت بریتانیا، ۶۷ درصد است.[۲۴]

هندوها و پس از آنها سیک‌ها موفق‌ترین گروه اقلیت مذهبی در سه گروه مورد بررسی مسلمانان، هندوها و سیک‌ها هستند. براساس این گزارش همچنین تنها ۲۹ درصد زنان مسلمان در انگلستان کار می‌کنند. مسلمانان همچنین از نظر سواد و آموزش در مقایسه با سایر اقلیت‌ها در رده پایین‌تری قرار دارند و در برابر بیماری‌ها نیز آسیب‌پذیرترهستند.[۲۵]

مسلمانان و نقش آنان در سیاست و حکومت انگلیس

سطح مشارکت سیاسی مسلمانان در فرایندهای سیاسی انگلیس

تفاوت چندانی با دیگر مردمان این کشور نـدارد. تـا دهـه ۱۹۷۰
اساس مـشارکت مـسلمانان در حـوزه عمـومی برپایـه قومیـت و
فرهنگ و نه مذهب قرار داشت. با توسعه برنامه‌ها در دهـه ۱۹۸۰
مـشارکت آنهـا بیـشتر گردیـد، ولـی آنـان هنـوز هـم بـر اسـاس
سازمان‌های اجتماعی مجزا عمل می‌کردنـد، سـازمان‌هـایی کـه بـ
تشویق دولت بریتانیا به عنوان بازتابی از یک جامعه چنـدفرهنگی
و کثرت‌گرا نمود پیـدا مـی‌کـرد. در اوایـل ایـن دهـه شـماری از
نهادهای اسلامی در سطح شـهری ایجـاد گردیدنـد کـه از سـوی
شوراهای شهری حمایت مالی می‌شـدند. ایـن سـازمان‌هـا تـلاش
داشتند از طریق گفتگو و مصالحه در سیاسـت محلـی بـه تـوافقی
راجع به برخی مسائل مشخص دست پیدا کنند. در همـین رابطـ
بـسیاری از آنهـا بـرای ایجـاد تغییراتـی سیاسـی و اقـدام روی
حوزه‌های مورد نگرانی خود بـا یکـدیگر متحـد مـی‌شـدند و بـ
لابی‌گری می‌پرداختند. این گروهها پس از چندی متوجه شدند ک
تلاش‌های محلی راجع به برخی مسائل پاسخگو نبوده و بایـد در
سـطح سیاسـتگذاری ملـی فـشار وارد کننـد. مبـارزه ضـد الغـای
استثنائات در مورد ذبح حیوانـات بـرای غـذا و بحـث راجـع بـ
موضـوعات مـذهبی در قـانون اصـلاحیه آمـوزش[1] از نخـستین
تلاش‌های آنان در سطح ملی به حساب می‌آمد.

در اواسط دهه ۱۹۸۰ شاهد مـشارکت فعـال جوانـان مـسلمان در
سیاست بودیم، زیرا آنان به این نتیجه رسیده بودند که عـدم مـشارکت

---

1. Education Reform Act

منافع آنها را تأمین نخواهد کرد. در ادامه، مشارکت آنها گسترش یافته و اتحاد با احزاب اصلی این کشور را به همراه داشت.

در این میان، مشارکت سیاسی مسلمانان اشکال متفاوتی داشت: رأی دادن، عضویت در حزب و نامزد شدن برای انتخابات. نخستین شاخص مشارکت آنها میزان گستردگی ثبت‌نام آنها برای رأی دادن بود. شمار ثبت‌نام‌کنندگان برای رأی دادن از دو سوم در دهه ۱۹۶۰ به سه چهارم در دهه ۱۹۷۰ رسید. در سال ۱۹۹۱، تنها ۱۵ درصد از مسلمانان آسیای جنوبی (اکثریت مسلمانان بریتانیا) برای رأی دادن ثبت نام نکردند. به هرحال، این میزان در انتخابات سال ۱۹۹۷ به طور متوسط ۲۰ درصد کاهش داشت. با این وجود، میزان حضور برای رأی دادن در میان مسلمانان جنوب آسیا بازتابی از سطح امیدواری در مشارکت سیاسی آنان می‌باشد.

در همین زمینه، شواهد موجود حکایت از آن دارند که مسلمانان بریتانیا تنها بر اساس وفاداری و معیارهای «مذهبی» رأی نداده و صرفاً نیز به نامزدهای مسلمان رأی نمی‌دهند.

از سال ۱۹۷۴ به بعد، اکثریت مسلمانان بریتانیا از حزب کارگر حمایت کرده‌اند. همانطور که در کتاب «تأثیرات دموکراسی بر هویت: اعضای انجمن‌های اسلامی و تجربیاتشان در سیاست محلی در بریتانیا»[1] نوشته کینگزلی پردام[2] آمده است، مسلمانان به

1. The Impacts of Democracy on Identity: Muslim Councillors and their Experiences of Local Politics in Britain
2. Kingsley Purdam

حزب کارگر وفادارند، زیرا بر این باورند که این حزب برای طبقه کارگر بوده و در نگرش و عملکرد بسیار کمتر از احزاب دیگر و بخصوص حزب محافظه‌کار نژادپرست می‌باشد.[۲۶] این حمایت و حضور در حزب کارگر هرچند در برخی سالها با کاهش مواجه بود، ولی روند کلی همان حمایت از این حزب می‌باشد.[۲۷] با این حال، باید گفت که به نظر می‌رسد احزاب اصلی بریتانیا چندان مایل نیستند مشارکت اقلیت‌های قومی (منجمله مسلمانان) از میزان مشخصی فراتر رود.[۲۸]

در همین رابطه، با پیروزی حزب کارگر در سال ۲۰۰۱، مسلمانان وارد مجالس محلی و اعیان شدند.[۲۹] سپس در انتخابات سال ۲۰۰۵، برای اولین بار نمایندگانی مسلمان از این حزب به مجلس عوام راه یافتند.[۳۰] همچنین آنان به بودجه عمومی برای مدارس دینی (که پیش از آن برای دیگر ادیان وجود داشت) و وارد ساختن ردیف دین در سرشماری سال ۲۰۰۱ دست یافتند. این دستاوردها با شکوفایی روزنامه‌ها، مدارس، گروه‌های تخصصی و ایجاد یک شبکه تلویزیونی همراه بود. لندن نیز به مرکز مهم مالی اسلامی تبدیل شد که ارزش دارایی مسلمانان آنجا سیصد و هفتاد میلیارد یورو تخمین زده می‌شد.[۳۱]

در همین رابطه گفتنی است که دولت بریتانیا اسلام را به عنوان یک دین به رسمیت نمی‌شناسد و تنها دین به رسمیت شناخته شده، مسیحیت پروتستانی است. اما دموکراسی بریتانیایی برای پیروان سایر ادیان، آزادی فعالیت‌های عبادی را ضمانت کرده است و از این روی برای اسلام احترام رسمی قائل است، به

طوری که پرنس چارلز یکی از حامیان اصلی مرکز مطالعات اسلامی آکسفورد[1] (OCIS) بوده و در بیشتر مناسبت‌ها، پیرامون مفاهیم اسلامی و تعالیم آن سخنرانی می‌کند.

درکل باید گفت که به نظر می‌رسد اکثر گروههای اسلامی در بریتانیا بر این نظرند که مسلمانان باید در حیات سیاسی بریتانیا مشارکت داشته و انتخاب نامزدهای مسلمان را به عنوان یک دستاورد مثبت مورد توجه قرار دهند. هم‌اکنون نیز از سیاستمداران مسلمان این کشور می‌توان به سید صلاح کمال[2] (عضو پارلمان اروپایی از حزب محافظه‌کار بریتانیا)، شهید مالک[3] (عضو مجلس عوام انگلستان از حزب کارگر)، صادق خان[4] (عضو مجلس عوام انگلستان از حزب کارگر) [گفتنی است که شهید مالک و صادق خان اولین مسلمانانی هستند که به پارلمان بریتانیا راه پیدا کرده‌اند](۳۲)، ایفر ارفان[5] (عضو فعال حزب کارگر و کاندیدای این حزب در انتخابات عمومی سال ۲۰۰۵)، آیرن خان[6] (هفتمین دبیرکل سازمان عفو بین‌الملل)(۳۳)، مانزیلا پولا اودین[7] (نخستین زن مسلمان در مجلس اعیان انگلستان)(۳۴) و فیاض مغال[8] (معاون سابق حزب لیبرال دموکرات بریتانیا)(۳۵) اشاره کرد.

---

1. Oxford Center for Islamic Studies
2. Syed Salah Kamall
3. Shahid Malik
4. Sadiq Khan
5. Ayfer Orphan
6. Irene Khan
7. Manzila Pola Uddin
8. Fiyaz Mughal

بررسی جریان‌های اسلامی در انگلیس

مسلمانان بریتانیا نماینده بخش بسیار کوچکی از تنوع جهانی اسلام هستند که در پشت ظاهر همگون مذهبی خود، در جوامع و سازمان‌هایی توزیع شده‌اند که طیفی از وفاداری و وابستگی را شامل می‌شوند. در این رابطه، هرچند مسلمانان سنی به لحاظ تعداد برتر از دیگر مذاهب اسلامی هستند، ولی سازمان‌هایی از دیگر اقلیتهای اسلامی نظیر شیعیان دوازده امامی و اسماعیلیه و نیز طیفی از طریقت‌های عارفانه و زاهدانه صوفیسم را نیز می‌توان در میان این اقلیت مذهبی یافت. به این لیست همچنین می‌توان فرقه احمدیه و اخیراً «امت اسلامی» را نیز افزود که خودشان را مسلمان می‌دانند، ولی از سوی بسیاری جوامع اسلامی مسلمان به حساب نمی‌آیند. فرقه «امت اسلامی» از ایالات متحده آمده است و بر خوداتکایی مردمان سیاه‌پوست در چارچوب اسلامی تأکید داشته و اعضای آن از چند هزار نفر فراتر نمی‌رود.[۳۶]

اگرچه اکثریت وسیعی از مسلمانان در بریتانیا مشارکتی در فعالیت‌های افراط‌گرایانه ندارند، ولی جمعیتی حاشیه‌ای وجود دارد که پذیرای اسلام رادیکال بوده و در برخی موارد از تروریسم حمایت می‌کنند. برخی از این افراد مهاجران یا پناهندگان بوده و برخی نیز همچون سه نفر از عاملان بمب‌گذاریهای لندن در ۷ جولای سال ۲۰۰۵ متولد انگلیس می‌باشند. حداقل دو نفر از چهار عامل حملات نافرجام ۲۱ جولای سال ۲۰۰۵ نیز از کودکی در بریتانیا زندگی کرده‌اند. در این زمینه باید گفت که هر چند بریتانیا چندین دهه گرفتار حملات گروههای استقلال‌طلب ایرلند

شمالی بوده است، ولی تروریزم اسلامگرایان افراطی چالش نسبتاً جدیدی برای آن می‌باشد. با این حال، اکثر رهبران مسلمان بریتانیا و مقامات این کشور اعتقاد دارند که ریشه افراط‌گرایی در مساجد بریتانیا نبوده و در زندان‌ها و دانشگاهها باید آنرا جستجو کرد. به گفته آنها بسیاری از مسلمانان افراطی و فعالان تروریستی مسلمان تحصیلکرده بوده و از مهارتهای فنی و حرفه‌ای خوبی برخوردار هستند.(۳۷)

در اینجا جهت بررسی جریان‌های اسلامی در بریتانیا، آنها را به دو جریان «میانه‌رو» و «افراطی» دسته‌بندی کرده و سازمان‌ها و گروه‌هایی که در زیر آنها قرار می‌گیرند را مورد توجه قرار می‌دهیم.

الف) سازمان‌های میانه‌رو

۱ـ اتحادیه سازمان‌های اسلامی بریتانیا و ایرلند

اتحادیه سازمان‌های اسلامی بریتانیا و ایرلند[1] (UMO) سازمانی حمایتی است که در سال ۱۹۷۰ تأسیس شد و پیشرفت اندکی در انجام تغییرات داشت و به همین صورت نتوانست حمایت کافی راجع به مسائل بین‌المللی مورد نگرانی مسلمانان همچون قضیه فلسطین و کشمیر کسب کند. این سازمان در حال حاضر ۱۸۰ گروه اسلامی را زیر پوشش خود دارد.(۳۸)

هدف اتحادیه سازمان‌های اسلامی بریتانیا عبارت از هماهنگ

---

1. Union of Muslim Organizations of UK and Ireland

ساختن فعالیت‌های تمامی سازمان‌های اسلامی در بریتانیا و عمل به عنوان نماینده مسلمانان بریتانیا در مذاکرات با دولت انگلیس و دیگر نهادهای بین‌المللی می‌باشد. این سازمان در راستای فعالیتهای خود همچنین با ارائه رهنمودها و موضوعات درسی به آموزگاران مسلمان در امر آموزش اسلام نیز کمک می‌کند. گفتنی است که این اتحادیه همچنین عضو شورای آموزش مذهبی انگلیس و ویلز نیز می‌باشد.(۳۹)

هم‌اکنون دکتر سید عزیز پاشا[1] دبیرکلی اتحادیه سازمان‌های اسلامی را بر عهده دارد. وی اخیراً خواستار تعطیلی برخی مناسبت‌های اسلامی و لحاظ کردن شریعت در قانون خانوادگی مرتبط با مسلمانان در این کشور شده و از آن به عنوان راهی برای مبارزه با افراط‌گرایی در میان مسلمانان انگلیس یاد کرده است.(۴۰)

۲ـ *پارلمان اسلامی بریتانیا*

پارلمان اسلامی بریتانیا[2] در سال ۱۹۹۲ توسط کلیم صدیقی[3] در لندن و طی مراسمی با حضور نمایندگان مطبوعات و رادیو و تلویزیون رسماً آغاز به کار کرد. پیش از آن هیچ رویدادی دربارهٔ مسلمانان بریتانیا چنین انعکاس خبری وسیعی پیدا نکرده بود. در واقع پس از مسأله سلمان رشدی ایجاد این پارلمان تدبیری بود که برای حل برخی از مشکلات ناشی از این قضیه اندیشیده شد و قدرت و همبستگی دینی جامعهٔ مسلمانان را نشان داد.(۴۱)

---

1. Dr. Syed Aziz Pasha　　2. Muslim Parliament
3. Kalim Siddiqui

پارلمان که بنیانگذارش آن را «نظامی سیاسی برای مسلمانان بریتانیا» خوانده است دستاوردی نو در اندیشهٔ سیاسی اسلامی بود و ویژگیهای بدیع آن نشان دهندهٔ رویکردی کاملاً بی‌نظیر و جدید به مشکلات اقلیت مسلمان بود که در محیطی خصمانه منزوی شده بودند. در آغاز عنوان «شورای مسلمانان بریتانیا» درنظر گرفته شده بود اما رسانه ها عنوان «پارلمان» را تحمیل کردند.

پارلمان از لحاظ ساختار دو مجلسی می‌باشد، ولی بر خلاف مجالس اسکاتلند یا ویلز، قدرتی در اختیار ندارد تا حکومت را به اجرای تصمیمات پارلمان وادارد. در عین حال، پارلمان نمی‌تواند قانونگذاری کرده، سپاهی فراهم بیاورد یا مالیات وضع کند. اما برپایهٔ اتفاق نظر قادر به اجرای برخی امور است، برای مثال، می‌تواند از یک مرجع صالح فتوا بگیرد و زکات و صدقات را گردآوری و توزیع کند.[۴۲]

ترکیب پارلمان نشان دهندهٔ تنوع افرادی است که جامعهٔ مسلمانان را در بریتانیا تشکیل می‌دهند؛ از نوکیشان محلی یا فرزندان آنها تا مهاجرانی که با انگیزهٔ اقتصادی از کشورهای مشترک المنافع مهاجرت کرده‌اند و نیز روشنفکران مهاجر که در تبعید خودخواسته یا اجباری به سر می‌برند اما تابعیت بریتانیا را دارند.[۴۳]

بنیانگذار پارلمان در سخنرانی افتاحیهٔ خود اهداف آن را چنین بیان کرد: «گسترش حضور توانمند مسلمانان در بریتانیا بر پایهٔ تابعیت عمومی؛ ایجاد توافق در مسائل اساسی میان مسلمانان؛ تعیین اهداف جامعهٔ مسلمانان؛ بهبود وضع اقتصادی و اجتماعی

مسلمانان بریتانیا؛ و بسیج کردن منابع انسانی معنوی و مادی جامعهٔ اسلامی در خدمت به جامعهٔ مسلمانان و اسلام».[۴۴]

اگرچه بعضی از این اهداف دور از دسترس است، ولی پیشینهٔ پارلمان تا به امروز بویژه در امورخیریه ستایش‌انگیز بوده است. پارلمان از یک کمیتهٔ برنامه‌ریزی راهبردی که گروه‌های ویژه را برای تعیین مسائل مورد بحث و رأی‌گیری در جلسهٔ عمومی فرا می‌خواند و یک کمیتهٔ اهداف عام تشکیل شده است. تصمیمات اتخاذ شده را اعضای دایم در دفتر مرکزی پارلمان در لندن به اجرا در می‌آورند. همچنین پارلمان از طریق شماری از نهادهای جانبی بویژه کمیتهٔ حقوق بشر و بیت‌المال اسلامی تأمین سرمایه می‌کند و فعالیت اقتصادی دارد. کمیتهٔ حقوق بشر به مواردی که حقوق مسلمانان بریتانیایی یا خارجی پایمال شود رسیدگی می‌کند و پارلمان را مطلع می‌سازد. بیت‌المال اسلامی با گردآوری زکات و صدقه برای اهداف خیرخواهانه سرمایه فراهم می‌کند. به عنوان نمونه «طرح وام‌های دانشجویی» برای تکمیل یا جایگزینی کمک هزینه های دولتی طرح‌ریزی شده است. یکی دیگر از نهادهای جنبی پارلمان سازمان «مواد غذایی حلال» است. این سازمان رسوایی صنایع غذایی به اصطلاح حلال بریتانیا را افشا کرد و با شیوه‌هایی از قبیل صدور مجوز، مجموعه‌ای از مراقبتها برای محصولات غذایی را ایجاد کرد تا با سوء استفاده‌های حاکم بر این صنعت مبارزه کند.[۴۵]

اعضای این نهاد معتقدند دلمشغولی پارلمان دربارهٔ جامعهٔ مسلمانان بریتانیا سبب بی‌توجهی به جامعهٔ جهانی مسلمانان

نشده است. این امر در توسعهٔ روابط کارآمد و نزدیک با دولت چچن و نمایندگان آنها در لندن در سالهای ۱۹۹۹ـ۲۰۰۰ نمایان است. پارلمان مسلمانان به بسیج کردن کمکهای مالی جامعهٔ مسلمانان برای چچن و تأسیس مرکز اطلاع رسانی رسانه‌های گروهی برای انتقال اخبار از چچن به دیگر نقاط جهان کمک نمود.[۴۶]

هر چند تأسیس پارلمان اسلامی در سال ۱۹۹۲، بدیلی برای تشکیلات اسلامی سنتی‌تر در بریتانیا محسوب می‌شد، با این حال، تجربه یک پارلمان اسلامی غیرمنتخب با شکست مواجه شد و پس از فوت صدیقی رو به افول نهاد. این سازمان حتی زمانیکه در اوج بود نیز نتوانست حمایت کافی برای تحقق استراتژی خود کسب کند. پس از وی غیاث‌الدین صدیقی رهبری این نهاد را بر عهده گرفته و با انجام تعدیلاتی در سیاستهای آن تلاش کرد تا عملکرد این نهاد را بهبود بخشد. در این وضعیت برخی از طرفداران اندیشه‌های کلیم صدیقی پارلمان اسلامی را ترک کرده و به سازمان‌های دیگر پیوستند.

این سازمان اقدامات و مبارزات زیر را در راستای اهداف خود اعلام می‌کند:

۱- مخالفت با جنگ؛

۲- مقابله با بنیادگرایی و افراط‌گرایی؛

۳- مقابله با گروههای تبهکار؛

۴- دفاع از آزادیهای مدنی؛

۵- حمایت از پناهجویان.[۴۷]

۳ـ جامعه اسلامی بریتانیا

جامعه اسلامی بریتانیا[1] در سال ۱۹۹۰ توسط مهاجرانی از شبه قاره هند و با استفاده از ماجرای سلمان رشدی جهت متحد ساختن مسلمانان بریتانیا تحت رهبری خود تأسیس گردید. بنیانگذار این سازمان فاروق مراد[2] می‌باشد که ریاست آن را نیز بر عهده گرفت.(۴۸)

این سازمان نیز همانند شورای اسلامی بریتانیا (توضیح آن در پی خواهد آمد)، از سوی فعالانی تشکیل شد که از جماعت اسلامی، مهم‌ترین حزب اسلامی در پاکستان الهام می‌گرفتند. از میان آنها می‌توان به خرم مراد،[3] معاون سابق این حزب اشاره کرد.(۴۹)

لازم به ذکر است در سال ۱۹۹۷، بسیاری از اعضای کلیدی جامعه اسلامی بریتانیا تصمیم گرفتند تا همچنان بر فعالیتهای مردمی تمرکز داشته باشند. به همین جهت به گروههای دیگر پیوسته و شورای اسلامی بریتانیا را به عنوان سازمانی حمایتی برای فشار بر حکومت و لابی‌گری جهت اتخاذ سیاستهای اسلامی‌تر تأسیس کردند. تأسیس شورای اسلامی بریتانیا سبب شد تا نمود عمومی این سازمان بیشتر به همان فعالیتهای مردمی پرداخته و از مداخله آشکار در مسائلی نظیر جنگ عراق، کاریکاتورهای دانمارکی و عملیاتهای ضدتروریستی اجتناب ورزد. با این حال، تسلط آرام آن بر شورای اسلامی بریتانیا و

---

1. Islamic Society of Britain
2. Farooq Murad
3. Khurram Murad

دیگر گروهها بدان معنی است که این گروه نفوذ زیادی را بر سیاست دولت بریتانیا اعمال می‌کند.(۵۰)

جامعه اسلامی بریتانیا در سطح مردمی توانسته است از طریق شعبات خود یعنی سازمان مسلمانان جوان،[1] خواهران مسلمان جوان [2] و انجمن یاوران مسلمان نفوذ[3] و تأثیر عمیقی بر جامعه اسلامی بریتانیا داشته باشد.

اگرچه جامعه اسلامی بریتانیا یکی از بزرگترین و بانفوذترین سازمان‌های اسلامی بریتانیا می‌باشد، ولی به عنوان یک سازمان خیریه به ثبت نرسیده است، در نتیجه حساب‌های آن تحت نظارت دولتی قرار ندارد و نمی‌توان آمار دقیقی را از جایگاه حقوقی و مالی آن ارائه داد.(۵۱)

جامعه اسلامی دارای ۱۶ شعبه در سرتاسر بریتانیا می‌باشد که از جمله فعالیت‌های آنان می‌توان به برگزاری مراسم «هفته آگاهی اسلامی»، نمایشگاه‌ها، کنفرانس‌ها، سمینارها، اردوهای منطقه‌ای و ملی، برنامه‌های سخنرانی، گروه‌های مطالعاتی، گردهمایی‌های اجتماعی، تورنمت‌های ورزشی و پخش برنامه‌های رادیویی اشاره داشت.

اهداف کلی آن نیز عبارت می‌باشد از:

۱- افزایش آگاهی و درک از اسلام در بریتانیا؛

۲- سازماندهی، آموزش و بسیج مسلمانان در بریتانیا؛

---

1. Young Muslims Organisation
2. Young Muslim Sisters
3. Muslim Scouts Fellowship

۳- همکاری برای توسعه جامعه اسلامی در بریتانیا؛
۴- تشویق تعامل سازنده با جامعه بریتانیا.[۵۲]

۴ـ شورای اسلامی بریتانیا

اگرچه اکثریت سازمان‌های اسلامی تأسیس‌شده از سوی نسل اول مهاجران مسلمان تمایل به همکاری و فعالیت در چارچوب «پیوندهای قومی» داشتند، ولی سازمان‌های متشکل از شمار فزاینده نسل دوم از جمله شورای اسلامی بریتانیا[۱] (MCB) وارد مباحث عمومی شده و تلاش دارند نماینده منافع تمامی مسلمانان انگلیس در برابر دولت باشند.[۵۳]

شورای اسلامی بریتانیا سازمانی حمایتی است که پس از چندین سال مشورت و برنامه‌ریزی دقیق در سال ۱۹۹۷ از سوی نمایندگان بیش از ۲۵۰ سازمان اسلامی از تمامی بخش‌های بریتانیا منجمله ایرلند شمالی تشکیل گردید که جایگاهش به عنوان یک نهاد مورد تأیید تمامی سیاستمداران طراز اول بریتانیا قرار گرفته است. این سازمان هم‌اکنون دارای ۳۵۰ نهاد وابسته می‌باشد و تلاش دارد تا شمار آنها را افزایش دهد. از جمله مواضع این نهاد می‌توان به محکومیت تروریزم، افراط‌گرایی و در همان حال جنگ عراق در سال ۲۰۰۳ اشاره کرد.[۵۴]

دبیرکل فعلی شورای اسلامی بریتانیا دکتر محمد عبدالباری[۲] می‌باشد که در سال ۲۰۰۶ به این سمت برگزیده شد. وی پیش از

1. Muslim Council of Britain
2. Dr. Muhammad Abdul Bari

این به مدت چهار سال سمت معاونت دبیرکل را در اختیار داشت. گفتنی است که اقبال سکرانی[1] دبیر کل سابق شورای اسلامی بریتانیا، در سال ۲۰۰۵ برای خدمات طولانی‌مدت خود در راستای گفتگوی میان مذاهب به مقام شوالیه[2] (مقام افتخاری غیرموروثی که از بارونت[3] پایین‌تر است و به شخص حق استفاده از عنوان «سر»[4] را می‌دهد) نائل شد.(۵۵)

اهداف شورای مسلمانان بریتانیا عبارتند از:

۱- ترویج همکاری، اجماع نظر و اتحاد در مورد بسیاری از امور مسلمانان در بریتانیا؛

۲- تشویق و تقویت تمامی تلاش‌های موجود در راستای منافع جامعه اسلامی؛

۳- همکاری برای درک بهتر اسلام و مسلمانان در کل جامعه بریتانیا؛

۴- ایجاد موقعیتی برای مسلمانان بریتانیا بر اساس حقوق برابر و عادلانه؛

۵- تلاش در راستای حذف نابرابری‌ها و اشکال تبعیض؛ تقویت روابط بهتر مسلمانان و تلاش برای ایجاد جامعه‌ای خوب از مسلمانان.(۵۶)

به هرحال باید گفت که روابط دولت بریتانیا با این شورا در ماههای اخیر چندان خوب نبوده است، زیرا به نظر دولت این نهاد به حد کافی با افراط‌گرایان مقابله نکرده و امتناع آن از پذیرش

---

1. Iqbal Sacranie
2. Knight
3. Baronet
4. Sir

روز یادبود شصتمین سالگرد هولوکاست را قابل بخشش نمی‌داند. گفتنی است که شورای اسلامی بریتانیا خواستار روز یادبود برای تمامی جوامع ستمدیده شده است.(۵۷)

این گروه ادعا می‌کند که برای فعالیت اصلی خود هیچ پولی را از دولت بریتانیا دریافت نکرده ولی همچون بقیه سازمان‌ها برای اجرای پروژه‌های مختص به توسعه جوامع اسلامی در بریتانیا مقادیری را دریافت نموده است.(۵۸) با این حال در یکی از گزارشات موسسه پژوهشی فویا[1] در سال ۲۰۰۶ آمده است که با بررسی مکاتبات میان وزرات کشور بریتانیا و این نهاد مشخص می‌شود که دولت انگلیس حداقل ۱۵۰ هزار پوند را در اختیار این سازمان قرار داده است.(۵۹)

شورای اسلامی بریتانیا همچنین در سال ۲۰۰۶ توانست کمکی ۳۰۰ هزار پوندی را از اداره توسعه بین‌المللی بریتانیا[2] برای انجام پروژه‌هایی در زمینه تولید مواد آموزشی برای مدارس اسلامی و راه‌اندازی وب‌سایتی با تمرکز روی کاهش فقر و مرتبط‌ساختن جوامع مسلمان در بریتانیا و مسلمانان نیجریه، بنگلادش و هندوستان دریافت کند.(۶۰)

۵ـ انجمن اسلامی بریتانیا

انجمن اسلامی بریتانیا[3] (MAB) در نوامبر سال ۱۹۹۷ توسط

1. FOIA Research Company
2. UK Department for International Development (DFID)
3. Muslim Association of Britain

دکتر کمال هلباوی[1] سخنگوی تبعیدی شاخه اخوان‌المسلمین مصر تأسیس گردید[(۶۱)] و هدف خود را «ترویج و تبلیغ اصول تعامل مثبت مسلمانان با تمامی عناصر جامعه برای نشان‌دادن و انتقال پیام اسلام و شکل خالص و درست آن» اعلام نمود.[(۶۲)] هلباوی در همان سال همچنین در تأسیس شورای اسلامی بریتانیا نقش داشت، هرچند از آن زمان برای کسب رهبری و نمایندگی مسلمانان بریتانیا در مقابل دولت بریتانیا با شورای اسلامی بریتانیا در رقابت بوده است. بنابراین این نهاد یکی از چند سازمان اسلامی در انگلیس است که آشکارا خواهان رهبری منافع سیاسی، فرهنگی و اجتماعی تمامی مسلمانان بریتانیا می‌باشد.[(۶۳)]

انجمن اسلامی بریتانیا هم‌اکنون با رهبری عظام تمیمی[2] درصدد است تا خود را نیرویی میانه‌رو در طیف جنبش‌های اسلامی بریتانیا نشان دهد. برای مثال، رهبران این سازمان قویاً حملات تروریستی یازده سپتامبر و بمب‌گذاریهای لندن را محکوم کردند. به همین دلیل برخی مواقع انجمن اسلامی بریتانیا به عنوان طرف مورد اعتماد دولت بریتانیا مطرح می‌شود. برای نمونه، این انجمن یکی از چهار سازمان دعوت شده از سوی دولت بود که منجر به تشکیل شورای ملی مساجد وامامان جمعه در سال ۲۰۰۶ گردید.[(۶۴)]

با این وجود، برخی ناظران انگلیسی با استناد به اظهارات نمایندگان این سازمان و تحلیل اقدامات و روابطشان با گروههای دیگر، نفوذ و تأثیر آنان بر مسلمانان بریتانیا را خوشایند

---

1. Dr. Kamal Helbawy 2. Dr. Azzam Tamimi

نمی‌دانند.(۶۵)

این سازمان در عین حال از مخالفان سرسخت استرداد بابر احمد[1] (از متخصصان تکنولوژی اطلاعاتی IT که متهم به راه‌اندازی وب‌سایتهایی برای تشویق به کشتن آمریکایی‌ها و غیرنظامیان کشورهای متحد آن می‌باشد) به ایالات متحده است.(۶۶)

این سازمان همچنین از مخالفان جنگ عراق بوده و با همکاری جنبش ضد جنگ موسوم به «ائتلاف برای جنگ را متوقف کنید»[2] و مبارزه برای خلع سلاح هسته‌ای[3] از برگزاری تظاهرات در مخالفت با تهاجم سال ۲۰۰۳ و اشغال عراق حمایت می‌کرد. همچنین تظاهراتی را در حمایت از مسأله فلسطین برگزار نموده است.(۶۷)

همانطور که گفته شد، این سازمان نیز خود را مخالف تروریزم دانسته و حوادث یازده سپتامبر و بمب‌گذاری‌های لندن را شدیداً محکوم کرد،(۶۸) ولی به هرحال نسبت به رفتار مردمان بریتانیا در قبال مسلمانان انتقاد فراوان داشته و نگرش‌های اسلام‌هراسی را شبیه یهودستیزی آلمانها می‌داند. به باور آنها در نتیجه چنین دیدگاهی است که مسلمانان در پی ترک کشور انگلیس می‌باشند.(۶۹)

انجمن اسلامی بریتانیا آشکارا مخالف موجودیت هر نوع

1. Babar Ahmad
2. Stop the War Coalition (StWC)
3. Campaign for Nuclear Disarmament

شکلی از دولت اکثریت یهودی در فلسطین می‌باشد، ولی عنوان می‌کند که از دیدگاههای یهودستیزی برخودار نیست.(۷۰)

از دید یهودیان، این سازمان متهم به یهودستیزی می‌باشد. به ادعای صهیونیست‌ها، در یکی از تظاهرات سازماندهی‌شده از سوی این گروه، تظاهرکنندگان در حمایت از مردم فلسطین لباس عاملان عملیات‌های شهادت‌طلبانه را به تن کرده و علامت ستاره داوود را در کنار صلیب شکسته نازیسم قرار داده بودند.(۷۱) همچنین به نوشته سایت‌های صهیونیستی، اعضای کادر رهبری این سازمان را اعضای تبعیدی جنبش اخوان‌المسلمین تشکیل می‌دهند که در پی ترویج ایدئولوژی اسلامی در جامعه اسلامی بریتانیا می‌باشند.(۷۲)

۶ـ کمیته ارتباطات عمومی مسلمانان بریتانیا

کمیته ارتباطات عمومی مسلمانان بریتانیا[1] یکی از مهم‌ترین گروههای فشار در بریتانیا می‌باشد که در سپتامبر سال ۲۰۰۰ تأسیس گردید. به نوشته سایت رسمی این سازمان، هدف اصلی آن عبارت از دفاع از منافع مسلمانان و اسلام در بریتانیا و سرتاسر جهان می‌باشد و در این راستا نخستین تلاش خود را مبارزه با کجروی رسانه‌های بریتانیا برای خراب کردن وجهه اسلام اعلام می‌کند.(۷۳)

این نهاد هم‌اکنون دارای ۵۶۳۰ عضو آنلاین و ۶۰ هزار

1. Muslim Public Affairs Committee UK (MPACUK)

مشترک سایت می‌باشد و حداقل ۶ درصد از کل مسلمانان بریتانیا از طریق اینترنت یا شیوه‌های دیگر از فعالیت‌های آن آگاه می‌شوند، ولی مبارزات آنها شمار بیشتری از مسلمانان را در بر می‌گیرد.(۷۴)

کمیته ارتباطات عمومی مسلمانان بریتانیا سیستمی را برای نظارت بر رسانه‌ها، لابی سیاسی و فعالیتهای مردمی خود به شیوه‌های مختلف ایجاد کرده است. این گروه خود را به عنوان یک «جهادی» ضد سرکوب مسلمانان در سرتاسر جهان خطاب می‌کند و از مسلمانان بریتانیا می‌خواهد که اگر توانایی مشارکت در این جهاد را ندارند، به صورت مالی کمک کنند.(۷۵)

منتقدان و مخالفان این سازمان با اشاره به انتقادات آن از نمایندگان یهودی یا حامی اسرائیل، این نهاد را یهودستیز می‌دانند. چندی پیش نیز اصغر بخاری[1] یکی از پایه‌گذاران کمیته پذیرفت که به دیوید ایروینگ،[2] منکر هولوکاست کمک مالی کرده است.(۷۶)

کمیته عنوان می‌دارد که به لحاظ مالی صرفاً به کمک‌های اعضا وابسته است. اعضا نیز به صورت داوطلبانه در اداره این سازمان همکاری می‌کنند. هم‌اکنون ریاست کمیته بر عهده ذوالفقار بخاری[3] می‌باشد.(۷۷)

کمیته ارتباطات عمومی مسلمانان بریتانیا مخالفت خود را با گروههایی رادیکال نظیر «حزب التحریر» و «المهاجرون» اعلام

---

1. Asghar Bukhari
2. David Irving
3. Zulfiqar Bukhari

داشته و آنها را با «دیوانه» خواندن، مورد انتقاد قرار می‌دهد. اعضای گروه المهاجرون نیز در واکنش به این موضع آنها، این گروه را خائن می‌خوانند. این کمیته همچنین از ممنوعیت بازگشت عمر بکری،[1] رهبر سابق حزب التحریر و المهاجرون از لبنان به انگلیس ابراز خوشحالی کرد.(۷۸) این سازمان همچنان به اتحاد خود با گروههای حامی فلسطینیان ادامه می‌دهد. این نهاد با راه حل دو دولت در سرزمین‌های اشغالی مخالف بوده و تمامی این سرزمین را وطن فلسطینیان می‌داند.(۷۹)

نهاد مذکور در رابطه با تروریزم بر این نظر است که ابتدا این مفهوم را باید تعریف کرد، زیرا مردم محروم حق دارند برای احقاق حق خود مقاومت کرده و زمانیکه راه دیگری وجود نداشته باشد، از خشونت استفاده کنند.(۸۰)

۷ـ مجمع اسلامی بریتانیا

مجمع اسلامی بریتانیا[2] نیز گروهی حمایتی است که در مارس ۲۰۰۵ با عضویت بیش از ۳۰۰ مسجد و سازمان‌های دیگر تأسیس شد.(۸۱) خورشید احمد،[3] رئیس این مجمع، خود را سخنگوی فقرا و به ویژه برلوی‌ها[4] (جنبشی صوفی در شبه قاره هند) می‌داند.(۸۲)

مجمع اسلامی بریتانیا درتلاش است تا جوانان مسلمان را ترغیب به دوری از افراط‌گرایان نماید. از اینرو در پی آن است با

---

1. Omar Bakri
2. British Muslim Forum (BMF)
3. Khurshid Ahmed
4. Barelvi

سوء استفاده از واژه «شهید» از سوی افراط‌گرایان مقابله کند. از دید این سازمان اگر سربازی مسلمان در ارتش بریتانیا در حال نبرد در یک کشور مسلمان نظیر افغانستان کشته شود، شهید بوده و برای کشورش یک قهرمان محسوب می‌شود. این نهاد نیز یکی از چهار سازمان شرکت‌کننده جهت تشکیل شورای ملی مساجد و امامان جمعه در سال ۲۰۰۶ بوده است.(۸۳)

این سازمان اهداف خود را بدینگونه بیان نموده است:

۱. تبادل دیدگاههای مختلف و شیوه‌های منصفانه از اسلام و اشاعه روحیه زندگی در صلح؛
۲. اشاعه ارزش‌های مشترک برای تمامی بشریت بواسطه ترس از خداوند و خدمت به بشریت بر اساس آموزش صوفیه (رهبران روحانی)؛
۳. القای چنین ارزش‌هایی در نسل بعدی مسلمانانی که همبستگی در یک جامعه چندفرهنگی، چند نژادی و به لحاظ فکری باز را رهبری خواهند کرد؛
۴. حمایت، تقویت و نظارت بر تلاش‌های موجود زنان مسلمان که برای قانون اسلامی قابل پذیرش هستند؛
۵. تقویت ارتباطات با ادیان دیگری که درک و تساهل در میان جوامع را ترویج می‌کنند؛
۶. ایجاد شبکه‌ای از سازمان‌های رسمی، سیاسی، اجتماعی و آموزشی مسلمانان که به مشکلات و نگرانی‌های آن پرداخته و گام‌های مناسبی را برای حل آنها برمی‌دارند؛
۷. حفاظت از حقوق سازمان‌ها، مؤسسات و مساجد وابسته

و بهبود شرایط مالی و آموزشی آنها؛

۸. ایجاد ارتباط با تمام رسانه‌ها، معرفی نگرانی‌ها و مسائل مسلمانان برای آنها و ارائه دیدگاههای مسلمانان راجع به مسائل مورد نگرانی‌ها آنها که از طریق اجماع حاصل شده باشد؛

۹. اتخاذ اقدامات مقتضی در تلاش برای کاهش یا حذف تروریزم، افراط‌گرایی و تبعیض مذهبی و نژادی.(۸۴)

گفتنی است که پس از بمب‌گذاری‌های لندن، مجمع اسلامی بریتانیا در محکومیت این اقدام فتوایی را صادر کرد که در آن به خانواده‌های کشته‌شدگان تسلیت گفته شده و برای مجروحان آرزوی شفای عاجل شده بود. در این فتوا همچنین آمده بود که اسلام استفاده از خشونت و گرفتن جان آدم‌های بیگناه را محکوم می‌کند و کسانی که مرتکب چنین اعمال وحشیانه‌ای می‌شوند نه شهید، بلکه جنایتکارند.(۸۵)

۸ـ شورای اسلامی صوفی

شورای اسلامی صوفی[1] نهادی است که در سال ۲۰۰۶ به گفته سازماندهندگان آن با هدف ارائه راه‌حل‌های عملی برای مشکلات مسلمانان بریتانیا بر مبنای احکام حقوقی و اسلامیِ یک شورای مشورتی بین‌المللی از مسلمانان تشکیل شده است. در وب‌سایت رسمی این نهاد آمده است که «شورای اسلامی صوفی برای

---

1. Sufi Muslim Council (SMC)

نخستین بار در بریتانیا، تلاش دارد تا در حل مسائل معاصر تأثیرگذار بر اسلام در جامعه مدرن و سکولار امروزی دانش سنتی را به کار گیرد.»[۸۶]

اصول اساسی این نهاد عبارت می‌باشد از:

۱- پیروی از تعالیم قرآنی؛

۲- به‌کارگیری اصل بالا در تمامی برنامه‌های مذهبی و اجتماعی؛

۳- ارائه دیدگاههای عالمانه و کلاسیک اسلامی راجع به مسائل جهانی و همکاری با اشخاص و نهادهای غیرمسلمان برای نشان دادن اسلام به عنوان مذهب تساهل، صلح و عدالت؛

۴- محکومیت تروریزم در تمامی اشکال آن؛

۵- تأکید بر میراث مشترک اسلام، مسیحیت و یهودیت؛

۶- حمایت از صلح و عدالت برای همگان؛

۷- ارائه راه‌حل‌های عملی برای مشکلات مسلمانان؛

۸- عدم وابستگی به دولت، حزب یا نهاد سیاسی خاصی؛

۹- نفی و محکومیت دیدگاههای افراطگرایانه از اسلام؛

۱۰- آگاه ساختن سیاستمداران، نهادها، دانشگاهیان و رسانه‌ها از تفاوت میان اسلام کلاسیک و گروههای اسلامگرای افراطی.[۸۷]

در کل اینکه شورای اسلامی صوفی، نهادی با نفوذ اندک در بریتانیا است که توسط شیخ محمد هشام کبانی[1] اداره می‌شود و به

1. Shaykh Mohamed Hisham Kabbani

طریقت بین‌المللی صوفی‌گری نقش بندیه وابسته است و احتمال می‌رود که تأسیس آن با حمایت نومحافظه کاران واشنگتن، اسلام کریم‌اف، رئیس جمهور ازبکستان و جک استراو، وزیر خارجه سابق بریتانیا صورت گرفته باشد.(۸۸)

اینکه چه کسی آن را بنیان گذاشته و چه اهداف مشخصی را دنبال می‌کند، چندان مشخص نیست. چندی پیش سخنگوی این سازمان به طور ناگهانی در برخی مصاحبه‌های رادیویی شرکت کرده و کانال چهار شبکه تلویزیونی انگلیس برنامه‌ای را در مورد آنها پخش کرد. این سازمان هم‌اکنون دارای یک وب سایت و یک نشریه به نام «روح»[1] می‌باشد.(۸۹)

روزنامه داون[2] چاپ پاکستان نیز در یکی از مقالات خود به این سازمان اشاره کرده و آنرا نهادی می‌داند که توسط دولت بریتانیا ایجاد شده است تا در حمایت از سیاستهای آن سخن بگوید.(۹۰) برخی از سایتها نیز با ذکر حمایت شورای اسلامی صوفی از اشغال عراق و جنگ در افغانستان به ارتباطات این نهاد با نئومحافظه‌کاران ایالات متحده اشاره می‌کنند.(۹۱)

با نگاهی به محتوای سایت این طریقت صوفی نیز به انتقادات آن از دیگر نهادهای اسلامی در بریتانیا و فرقه‌های اسلامی برمی‌خوریم، چیزی که شاید اثبات‌کننده ادعای بالا باشد. به گفته برخی منابع نیز رهبران صوفی بریتانیا اعلام داشته‌اند که تا زمان اعلام تأسیس این شورا آنها هیچ اطلاعی از فرایند تشکیل چنین

1. Spirit
2. Dawn

سازمانی نداشته‌اند.(۹۲)

به نوشته یکی از گزارشات موسسه پژوهشی رند، شورای اسلامی صوفی بریتانیا در حال حاضر برای به چالش کشاندن شورای اسلامی بریتانیا تشکیل شده است،(۹۳) ولی با داشتن تنها انگشت‌شماری اعضا هنوز از توان رقابت با آن برخوردار نیست.(۹۴)

۹ـ شورای ملی مساجد و امامان جمعه

شورای ملی مساجد وامامان جمع[1] در سال ۲۰۰۶ جهت ترویج عملکرد درست در مساجد بریتانیا و اطمینان از درک بهتر پرسنل مساجد از نیازهای مسلمانان این کشور و توجه موثرتر به آنها آغاز به کار کرد. این نهاد در عین حال به مسائل مساجد و امامان جمعه رسیدگی و بر آنها نظارت کرده و به دولت انگلیس برای مناسب بودن واعظان مسلمان خارجی خواهان ورود به بریتانیا مشاوره داده و به نهادهای دولتی برای مقابله با عناصر رادیکال کمک می‌کند.(۹۵)

گفتنی است که این شورا بر اساس طرح پیشنهادی نشست کاری «همکاری برای جلوگیری از افراط‌گرایی»[2] که از سوی وزارت کشور انگلیس و متشکل از تمامی سازمان‌های اسلامی مهم بریتانیا در سال ۲۰۰۵ و پس از بمب‌گذاریهای لندن برگزار

---

1. The Mosques and Imams National Advisory Body (MINAB)
2. Preventing Extremism Together

شد، تشکیل گردید.[۹۶] پس از آن اکثر شخصیت‌ها و سازمان‌های اسلامی منجمله «بنیاد خویی» که سازمانی شیعی می‌باشد از این ابتکار حمایت کردند.[۹۷]

شورای ملی مساجد و امامان جمعه از چهار فدراسیون تشکیل شده است که عبارتند از: شورای اسلامی بریتانیا (MCB)، مجمع اسلامی بریتانیا (BMF)، انجمن اسلامی بریتانیا (MAB) و بنیاد خویی.[۹۸]

۱۰ــ بنیاد خویی

بنیاد خیریه امام الخویی[۱] در سال ۱۹۸۸ به دستور آیت‌الله سید ابوالقاسم خویی در شهر نجف و با شعباتی در اروپا (از جمله لندن) و خاورمیانه تأسیس شد. گفتنی است که شعبه لندن از سوی کمیته‌ای منتخب پیشنهاد و تأسیس گردید. در سال ۱۹۹۱ و پس از جنگ اول خلیج‌فارس و متعاقب آن شورش مردم عراق ضد صدام حسین، مقر اصلی بنیاد به لندن انتقال یافت، جایی‌که کمیته منتخب مسئولیت نظارت بر فعالیتهای تمامی شعب بنیاد خویی در هندوستان، پاکستان، ایالات متحده (نیویورک)، کانادا و کویت را بر عهده گرفت. با پایان گرفتن جنگ اول خلیج‌فارس، بنیاد خویی به دستور آیت‌الله خویی کمک‌های فراوانی را در اختیار مردمان آسیب‌دیده کویت از حمله صدام به این کشور قرار دادند.[۹۹]

گفتنی است که این بنیاد پس از چندی در نتیجه تلاش‌های

---

1. Imam Al-Khoei Benevolent Foundation

سید عبدالمجید خویی، پسر آیت‌الله خویی (وی در فروردین ماه ۱۳۸۲ در نجف اشرف به همراه چند تن از همراهانش از سوی افراد ناشناس به قتل رسید)، موفق به کسب مقام مشورتی از شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل شد.[۱۰۰]

بنیاد خویی هم‌اکنون در راستای برقراری نظم و آرامش در عراق و کمک‌های عام‌المنفعه در این کشور و برخی کشورهای دیگر اسلامی فعالیت دارد.

ب) سازمان‌های افراطی

۱ـ *حزب التحریر*

از میان تمامی سازمان‌های اسلامی که به طور قانونی فعالیت می‌کنند، شاخه بریتانیایی حزب التحریر[1] (به معنای «حزب آزادیبخش») شاید بزرگترین نگرانی قانونگذاران و سیاستمداران بریتانیا باشد، به گونه‌ای که تونی بلر (نخست‌وزیر سابق بریتانیا ازحزب کارگر) و دیوید کمرون[2] (رهبر حزب محافظه‌کار) هر دو عنوان داشته بودند که در پی ممنوع ساختن فعالیت این سازمان هستند. با این وجود و علی‌رغم آنکه این سازمان در بسیاری کشورهای اروپایی غیرقانونی اعلام شده، ولی در بریتانیا همچنان به صورت قانونی به فعالیت خود ادامه می‌دهد.[۱۰۱]

این حزب در سال ۱۹۵۳ از سوی یک فلسطینی به نام تقی‌الدین نبهانی (از قضات اسلامگرا در بیت‌المقدس) پایه‌گزاری

1. Hizb ut-Tahrir   2. David Cameron

شد. هدف او ایجاد یک اتحادیه بزرگ اسلامی از کشورهای مسلمان، نظیر خلافتی که ترک‌ها تا سال ۱۹۲۴ داشتند اما در وسعتی بزرگتر بود.[۱۰۲] بر اساس گزارش بنیاد پژوهشی هریتیج در ۲۰۰۳، خط مشی حزب التحریر در راستای جهانی کردن اسلام است و مدل غربی سکولاریسم و اندیشه‌های تساهلی و جدید را به چالش می‌طلبد. ویژگی اصلی حزب و حربه آن، کلام بلیغ و آتشین جهاد است؛ جهاد با سرمایه‌داری ظالمانه، رژیم‌های سیاسی وابسته، آمریکا و متحدانش و هم‌چنین، کشورهای سازش‌کار مسلمان. قبل از واقعه ۱۱ سپتامبر، رهبران حزب، آمریکا را تنها به این مسأله متهم می‌کردند که قصد دارد سلطه‌اش را بر جهان اسلام تحمیل کند، اما بعد از ۱۱ سپتامبر، حزب مدعی است که آمریکا بر ضد مسلمانان جهان اعلام جنگ کرده است.[۱۰۳]

به هر روی، حزب التحریر الاسلامی تهدیدی آشکار برای منافع آمریکا، دست‌کم در منطقه آسیای مرکزی است. این حزب بین پنج تا ده هزار عضو دارد که هسته اصلی آن را تشکیل می‌دهد. به علاوه، حامیان زیادی را در آسیای مرکزی و در کشورهای ازبکستان، قرقیزستان و تاجیکستان، جلب نموده و عملیات خود را تا منطقه نفتی قزاقستان گسترش داده است. افزون بر آن، بیش از ده هزار عضو فعال در پاکستان، سوریه، ترکیه و اندونزی دارد و دست‌کم پانصد نفر از اعضای آن در حال حاضر فقط در ازبکستان پشت میله‌های زندان به سر می‌برند.[۱۰۴] در عین حال، از دید آنها، از آنجاییکه نظام‌های دموکراتیک بر مبنای جدایی دین از دولت می‌باشند غیر اسلامی بوده و مشارکت در آن

برای مسلمانان ممنوع است.(۱۰۵)

اگرچه این جنبش تا حد زیادی از توسل به خشونت سیاسی اجتناب می‌ورزد، ولی برخی شاخه‌های آن در اروپا متهم به یهودستیزی می‌باشند. به هرحال، این حزب اتهامات مذکور را رد می‌کند.(۱۰۶) بیشتر ناظران اتهامات وارده به این حزب در انگلیس را به دلیل اقدامات اعضای آن در دیگر کشورها می‌دانند. در عین حال دیدگاه آن نسبت به دولت اسرائیل که آن را اشغالگر می‌داند، دلیلی برای این اتهامات می‌باشد.(۱۰۷)

به نظر می‌رسد که حامیان حزب التحریر در انگلیس به واسطه سازماندهی مناسب، از قویترین طرفداران این حزب در کشورهای غیر اسلامی باشند (هرچند نقشی بسیار حاشیه‌ای دارند)، به گونه‌ای که در یکی از کنفرانس‌های این حزب در اگوست سال ۲۰۰۷، حدود دو هزار نفر شرکت کردند، هرچند تمامی آنها عضو حزب التحریر نبودند.(۱۰۸)

۲ـ اهل السنه و الجماعه

اهل السنه و الجماعه[1] به معنای «پیروان سنت و جامعه» گروهی اسلامگرا است که پس از ممنوع شدن فعالیت گروه «المهاجرون»[2] در سال ۲۰۰۴ از سوی دولت بریتانیا توسط چندین عضو سابق آن در نوامبر سال ۲۰۰۵ و به عنوان جایگزینی برای گروههای «المهاجرون»، «فرقه نجات‌یافته»[3] (سابقاً با نام فرقه نجات‌بخش[4])

---

1. Ahl us-Sunnah Wal al-Jamma'ah (ASWJ)
2. al-muhajiroun
2. Saved Sect
4. Savior Sect

و «الغربا»[1] تشکیل گردید. دو گروه آخر نیز در همان زمان به عنوان جانشینان المهاجرون تشکیل شدند که خود نیز در جولای سال ۲۰۰۶ بر طبق اصلاحیه قانون تروریزم در آن سال از فعالیت منع شدند.(۱۰۹)

اهل السنه و الجماعه ادعا می‌کند که دارای هزار عضو است و هدف خود را «تبلیغ صلح‌آمیز اسلام» اعلام می‌کند، ولی در عمل یکی از سازمان‌های افراطی اسلامی در بریتانیا محسوب می‌شود که به طور قانونی فعالیت می‌کند. این گروه اکثر فعالیت‌های خود را از طریق اینترنت دنبال می‌کند. اعضای جدید نیز در صورتی به عضویت در سایت آن در می‌آیند که یکی از اعضا آنها را معرفی کرده باشد.(۱۱۰) برخی از دیدگاه‌های این گروه با القاعده یکی است، ولی رهبران آن تأکید می‌کنند که موافق دست بردن به سلاح یا ترور کسی نیستند.(۱۱۱)

رهبر فعلی این سازمان سلیمان کیلر[2] می‌باشد که در آوریل سال ۲۰۰۷ به همراه پنج نفر دیگر به اتهام جمع‌آوری پول برای اقدامات تروریستی دستگیر شدند. سلیمان کیلر همچنین با اتهام تحریک به اقدامات تروریستی در خارج از بریتانیا مواجه است. وی مخالف دموکراسی بوده(۱۱۲) و در سخنانی تونی بلر را شبیه اسامه بن‌لادن نامید و ملکه بریتانیا را دشمن اسلام و مسلمین خطاب کرد.(۱۱۳)

گفتنی است که المهاجرون از سوی عمر محمد بکری[3] در

---

1. al-Ghurabaa
2. Sulayman Keeler
3. Omar Muhammad Bakri

سال ۱۹۹۶ ایجاد شد. وی این گروه را پس از ترک (یا اخراج از) شاخه «حزب التحریر» بریتانیا تأسیس کرد و خود را رهبر معنوی این گروه خوانده و اعلام داشت که اعضایش از مسلمانانی که به طور فیزیکی، زبانی یا مالی جهاد می‌کنند، حمایت می‌کند. آنها نیز خواستار ایجاد دولتی اسلامی به رهبری خلیفه مسلمین و اجرای قانون شریعت بودند.[۱۱۴]

اسلام‌هراسی در بریتانیا

هرچند خصومت نسبت به اسلام و مسلمانان ویژگی جوامع اروپایی از قرن ۱۸ بوده است و در زمان‌های متفاوت اشکال مختلفی به خود گرفته است، ولی در رابطه با بریتانیا باید عنوان داشت که با وجود قرن‌ها زندگی مسلمانان در این کشور، مدت زمان زیادی نیست که جامعه مسلمانان در کانون بحث و جدل قرار گرفته است. به هرحال، در طول سال‌های اخیر به دلیل سه بحران بزرگ تنش میان مسلمانان و غیر مسلمانان در این کشور بالا گرفته است:

۱- مسأله سلمان رشدی در اواخر دهه ۱۹۸۰؛

۲- حملات ۱۱ سپتامبر در آمریکا و تاثیرات آن در بریتانیا؛ و

۳- بمبگذارهای لندن.

قبل از ماجرای سلمان رشدی در دهه ۱۹۸۰ که مسلمانان بریتانیا کتاب او را کفر آمیز خوانده و به مخالفت با آن برخاستند اکثر مردم بریتانیا به ویژه در لندن و جنوب کشور کمتر از وجود جوامع تازه مسلمان در شهرهای صنعتی شمال بریتانیا نظیر لیدز و

برادفورد آگاه بودند.

ماجرای کتاب سلمان رشدی برای اولین بار پرسشهایی را مطرح کرد که آیا نسل تازه‌ای از جوانان مسلمان خشمگین در این کشور ظهور کرده است و اینکه چگونه رهبران سیاسی و جامعه مسلمانان باید با آن برخورد کنند.

در پی حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر این گونه بحث و جدلها در آمریکا و انگلیس با شدت بیشتری مطرح شد و برای بسیاری این سوال را پیش آورد که آیا جوانان مسلمانی که در غرب زندگی می‌کنند تحت تاثیر آرمان‌های افراطی و خشونت‌باری که شبکه القاعده معرف و مشوق آن است قرار می‌گیرند؟

سپس با بمب‌گذاریهای لندن این سوالات بار دیگر و این بار بطور گسترده‌تری به بحث گذاشته شد و یافتن پاسخ برای آن از هر زمان دیگری بیشتر جنبه فوریت پیدا کرد. معلمان، والدین و رهبران مسلمان نیز تحت فشار و زیر بار این پرسش قرار گرفتند که آیا برای پی بردن به خطر افراط‌گرایی و مقابله با آن باندازه کافی تلاش کرده‌اند و یا آن که از آن غافل مانده‌اند.

در این زمینه می‌توان از حمله به مساجد و گورستان های مسلمانان و همچنین تهاجم لفظی و فیزیکی علیه مسلمانان به عنوان نمودهایی از اسلام‌هراسی و اسلام‌ستیزی در بریتانیا نام برد. در همین رابطه «انجمن ضد اسلام‌هراسی و نژادپرستی»[1] گزارش

1. Forum Against Islamophobia and Racism (FAIR)

می‌دهد که در سال‌های ۲۰۰۴ و ۲۰۰۵ بیش از ۵۰ مورد خشونت ضد مسلمانان و اموال آنها از جمله مکان‌های پرستش و بیش از ۱۰۰ مورد تهدید لفظی و رفتار نادرست علیه آنان صورت گرفته است.(۱۱۵)

همچنین نخستین مطالعه عمده طی هفت سال گذشته درباره تبعیض علیه مسلمانان در بریتانیا نتیجه گیری کرده است که هراس از اسلام به خصوص پس از حوادث ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ در جامعه بریتانیا نهادینه شده است. کمیته‌ای که گزارش «اسلام‌هراسی؛ مسائل، چالش‌ها و اقدام»[1] را تهیه کرده است، می‌گوید که مشکلات مربوط به جذب جامعه مسلمانان و رفتار با آنها در بریتانیا هنوز گسترده است و نهادهای مسوول روابط نژادی از نشان دادن واکنش به نژادپرستی مذهبی بازمانده‌اند.(۱۱۶)

این کمیته که متشکل از مسلمانان و غیرمسلمانان است خواستار وضع قوانین بیشتر علیه تبعیض مذهبی و اتخاذ تدابیری برای رسیدگی به محرومیت اجتماعی و اقتصادی در میان مسلمانان شده است.(۱۱۷) بر طبق این گزارش از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ به این سو، با مسلمانان عمدتاً به عنوان «ستون پنجم» یا دشمن داخلی برخورد می شود. این گزارش از جمله اظهارات دنیس مک شین، وزیر دولت، را که از مسلمانان خواسته بود میان «راه و رسم بریتانیایی» یا «تروریسم» یکی را برگزینند؛ نقل کرده است. بر همین مبنا، رسانه‌های راستگرا متهم می‌شوند که با مترادف

1. Islamophobia; Issues, Challenges and Action

فرض کردن دو واژه پناهجو و مسلمان، به تعصب علیه مسلمانان دامن می‌زنند.(۱۱۸)

در همین راستا مسلمانان بریتانیا در تلاش برای خنثی کردن گرایش‌های هراس از اسلام در این کشور، اقدام به اجرای برنامه‌های تبلیغاتی سراسری از طریق نصب آگهی روی خودروهای جمعی و قطارها می‌کنند. این برنامه تبلیغاتی از سوی گروه «اسلام دین صلح است»[1] هدایت می‌شود که در پی وقوع انفجارهای تروریستی در متروی لندن فعالیت خود را آغاز کرد.(۱۱۹)

مسلمانان در رسانه‌های بریتانیا

از زمان حوادث یازده سپتامبر ۲۰۰۱، توجه رسانه‌های بریتانیا به اسلام و جوامع اسلامی این کشور بسیار زیاد شده و عمیقاً مشکل‌ساز گشته است. ساعاتی پس از برخورد هواپیماهای مسافربری به برج‌های دوقلوی تجارت جهانی در نیویورک، رسانه‌های بریتانیا مرتبط ساختن اسلام و تروریزم با یکدیگر را شروع کردند، به گونه‌ای که به طور مکرر تصاویر فلسطینیان خوشحال از این واقعه را پخش می‌کردند. پس از آن نیز با گزارش‌های یکجانبه از مسائل مرتبط با مسلمانان این کشور، اغراق در شمار حامیان طالبان در انگلیس و تأکید بر موضوع «جهاد» در اسلام، تلاش فراوانی را جهت تخریب چهره مسلمانان آغاز کردند.(۱۲۰)

---

1. Islam Is Peace

همچنین برخی سیاستمداران و مقامات دولتی نیز بـه گونـه‌ای رفتار و صحبت می‌کنند که ایجاد تـرس، تهدیـد و نگـرش منفـی نسبت به مسلمانان در جامعه انگلیس می‌کند.

به هر حال، در این رابطه بایـد گفـت کـه نقـش رسـانه‌هـای انگلیس در ارائه برداشتی نادرسـت از اسـلام، یکـی از مهـم‌تـرین عوامل در ایجاد اسـلام‌هراسـی در بریتانیـا بـوده اسـت. گـزارش رانیمد[1] در سال ۱۹۹۷ به خوبی نـشان از تـأثیر رسـانه‌هـا در ایـن زمینه دارد.(۱۲۱)

پس از حملات یازده سپتامبر، انگیزه بیشتری برای دامـن زدن به اسلام‌هراسی در اختیار رسانه‌ها قرار گرفت، به طوریکه روزنامه دیلی تلگراف بلافاصله در مقاله‌ای با عنوان «مذهبی کـه خـشونت را مجاز می‌داند»[2] عنوان داشت که اسلام تهدیـدی اساسـی بـرای صلح می‌باشد.(۱۲۲) به دنبال آن، نامیدن مـسلمانان بـا اصـطلاحاتی نظیر «افراط‌گرایان»، «تروریـسـت‌هـا»، «بنیادگرایـان» و «متعـصبان» کمکی به تقویت این دیدگاه شـد کـه مـسلمانان و اسـلام بـسیار خطرناک هستند.

گفتنی است که میزان هجمه این رسـانه‌هـا بـه گونـه‌ای بـوده است که شـهردار لنـدن بـا اذعـان بـه ایـن موضـوع از مـسلمانان خواست با «موج فزاینده اسلام‌هراسی» در رسانه‌های ایـن کـشور مقابله کنند.(۱۲۳)

1. Runnymede Report
2. A Religion that Sanctions Violence

نتیجه‌گیری

همانطور که در این گزارش آمد، اکثریت مسلمانان بریتانیا عضو جوامعی مهاجر هستند که بر مبنای خطوط قومی در بخش‌های مختلفی از بریتانیا تمرکز یافته‌اند. مهاجرت آنها به این کشور هویت مذهبی آنان را به زمینه اجتماعی- فرهنگی جدیدی کشاند که طیفی از چالش‌ها را پیش روی آنها قرار داده است. با این حال، هرچه جوامع اسلامی در بریتانیا ریشه‌دارتر می‌گردند، به همان میزان نیز از توان بالاتری برای پیشبرد برنامه‌ها و خواسته‌های خود بهره‌مند می‌شوند.

به لحاظ سیاسی، مشارکت مسلمانان بریتانیا در جامعه این کشور بیش از اقلیت‌های دیگر می‌باشد، به گونه‌ای که آنان در داخل و خارج از نظام سیاسی به فعالیت مشغول هستند. به هرحال، این حقیقت که همگرایی مسلمانان بریتانیا در نظام سیاسی رسمی این کشور در دهه‌های گذشته از رشد فزاینده‌ای برخودار بوده است، بیانگر آن است که مسلمانان بریتانیا حداقل در برخی حوزه‌ها به عنوان بخشی از جامعه گسترده‌تر بریتانیا مورد پذیرش قرار گرفته‌اند.

مسلمانان بریتانیا نسبت به چالش‌های زندگی در این کشور به شیوه‌ای مختلف واکنش نشان می‌دهند. در کنار تمایلات سکولاریستی در میان بخشی از آنها، برخی دیگر نیز همچنان نسبت به اعتقادات مذهبی خود راسخ باقی مانده‌اند. شماری دیگر از آنها نیز برای یافتن راه‌حل به تفاسیر افراط‌گرایانه از متون اسلامی روی آورده و جذب اندیشه‌های افراط‌گرایی مذهبی و

اصل جهاد شده‌اند. این واکنش که خود نمودی ضد فضای اسلام‌هراسی می‌باشد، سبب تبعیض و چالش بیشتر علیه خود مسلمانان می‌گردد. در این رابطه می‌توان از شورش‌های سال ۲۰۰۱ به عنوان واکنشی در مقابل تحریکات ضد اسلامی یاد کرد.

هم‌اکنون بسیاری از جوانان مسلمان در بریتانیا ترجیح می‌دهند به جای وابستگی‌های قومی با هویت اسلامی خود شناخته شوند. با این حال باید گفت که هویت مسلمانان بریتانیا در ابتدای قرن بیست و یکم بواسطه ابعاد تاریخی، اجتماعی و فرهنگی اسلامی و انگلیسی در حال شکل گرفتن است و درحالیکه برخی خود را در ابتدا مسلمان دانسته و سپس انگلیسی، گروهی نیز خود را ابتدا انگلیسی و سپس مسلمان می‌دانند.[۱۲۴]

در همین رابطه، یافته‌های یک تحقیق دولتی در سال ۲۰۰۷ نیز حاکی است که مسلمانان مقیم بریتانیا بیش از دیگر اقلیت‌های هموطن خود نسبت به کشورشان احساس تعلق می‌کنند. بر اساس نتایج «نظرسنجی شهروندی»[۱] که هر دو سال یک بار منتشر می‌شود، اقلیت سیاه‌پوست و آسیایی‌تبار در بریتانیا و در صدر آنان بنگلادشی‌ها، بیشتر از بقیه و حتی سفیدپوست‌ها احساس می‌کنند که اهل این کشور هستند. پس از مسلمانان بنگلادش با ۹۱ درصد، هندی‌ها و پاکستانی‌ها قرار دارند، در حالی که ۸۴ درصد از سفیدپوستان اقلیت اعلام کرده‌اند که چنین احساسی دارند بنابراین نتایج تحقیق شهروندی که یافته‌های پژوهش‌های دیگر در

---

1. The Citizenship Survey

این زمینه را تایید و تقویت می‌کند، مغایر با تصویری عمومی است که در اخبار و گزارش رسانه‌ها از مسلمانان این کشور ترسیم می‌شود.(۱۲۵)

پیش از این نیز در نظرسنجی سال ۲۰۰۶ از سوی موسسات «آی.سی.ام»[1] و «گالوپ»[2] آمده بود که مسلمانان بریتانیا بیش از هندویان این کشور احساس ملیت بریتانیایی دارند.(۱۲۶)

در پاسخ به این سوال نیز که حقیقتاً رهبران یک و نیم میلیون مسلمان ساکن بریتانیا چه کسانی هستند، باید گفت که مسلمانان بریتانیایی از نظر جغرافیایی پراکنده هستند و پیرو شاخه‌های متفاوت اسلام بوده و از لحاظ قومیت یکپارچه نیستند. از این رو همواره مشکل بوده که بتوانند رهبری داشته باشند که واقعاً نماینده کل این جامعه باشد.

به همین دلایل است که آنان همیشه یک صدا نبوده و بر اساس وضعیت های متفاوت، کسانی اعم از تندرو یا میانه رو، رأساً خود را سخنگوی این جامعه اعلام کرده و ادعای داشتن اختیاراتی را کرده که عملاً فاقد آن بوده‌اند.

با این حال، در طی چند سال اخیر، شورای اسلامی بریتانیا، نهادی بوده که می‌توان گفت بطور متقاعدکننده‌ای نمایندگی اکثریت مسلمانان بریتانیا را به عهده داشته است. وجود یک چنین نهادی با استقبال دولت بریتانیا روبرو بوده شده، چرا که مدت‌ها قبل از بمب‌گذاری‌های لندن، دولت بریتانیا علاقمند بود که نهادی

---

1. ICM Research 2. Gallup

معتبر نمایندگی جامعه مسلمانان این کشور را عهده‌دار شود تا دولت بتواند در مورد مسائل مختلف از همکاری این نهاد بهره‌مند گردد. ولی کسانی نیز هستند که از شورای اسلامی بریتانیا انتقاد کرده و می‌گویند این نهاد بیش از حد به دولت نزدیک بوده و آماده است در برابر تقاضاهای دولت سر تسلیم فرود آورد.

پی‌نوشت‌ها

1. Vertovec, Steven and Peach, Ceri, Islam in Europe: the politics of religion and community, Basingstoke: Macmillan. 1997. p. 24.
2. http://www.bbc.co.uk/religion/religions/islam/history/uk_1.shtml
3. http://www.wokingmuslim.org/history/kidwai/ise-1.htm
4. http://www.muslimedia.com/archives/book99/islamukbk.htm
5. http://www.islamfortoday.com/britain.htm
6. http://www.abdullahquilliamsociety.org.uk/aqsSAQuilliam.html
7. http://www.salaam.co.uk/themeofthemonth/september03_index.php?l=24
8. http://www.bbc.co.uk/religion/religions/islam/history/uk_2.shtml
9. http://www.islamfortoday.com/britain.htm
10. Ibid
11. http://www.statistics.gov.uk/CCI/nugget.asp?ID=954&Pos=1&ColRank=2&Rank=224
12. Ibid
13. Ibid
14. http://www.statistics.gov.uk/downloads/theme_compendia/for2004/FocusonReligion.pdf
15. Ibid
16. Ibid
17. Nielsen, Jorgen S., Muslims in Western Europe, 2nd edn, Edinburgh: Edinburgh University Press, 1995, p. 43.
18. Geaves, Ron, The Sufis of Britain: An Exploration of Muslimidentity, Cardiff: Cardiff Academic Press, 2000, pp. 137–59.
19. http://www.guardian.co.uk/religion/Story/0,,738875,00.html
20. G. Irwin and S. Dunn, Ethnic Minorities in Northern Ireland, Coleraine: University of Ulster Press, 1997, p. 58.

21. http://www.guardian.co.uk/religion/Story/0,,739312,00.html
22. http://news.bbc.co.uk/1/hi/wales/1551971.stm
23. http://www.globalsecurity.org/library/report/2004/muslimext-uk.htm
24. http://www.bbc.co.uk/persian/news/story/2006/05/060515_nh-muslems-report-uk.shtml
25. Ibid
26. Purdam, kingsley, The Impacts of Democracy on Identity: Muslim Councillors and their Experiences of Local politics in Britain, Manchester: University of Manchester, 1997, p. 127.
27. Gregg, Benjamin, "Proceduralism Reconceived: Political Conflict Resolution under Conditions of Moral Pluralism", Theory and Society, Vol. 31, No. 6 (Dec., 2002), pp. 741-776.
28. Ibid
29. Ibid
30. http://www.salaam.co.uk/themeofthemonth/september03_index.php?l=9
31. Op.cit, Proceduralism Reconceived: Political Conflict Resolution under Conditions of Moral Pluralism.
32. http://www.salaam.co.uk/themeofthemonth/september03_index.php?l=9
33. http://www.salaam.co.uk/themeofthemonth/september03_index.php?l=10
34. http://www.guardian.co.uk/religion/Story/0,,738817,00.html
35. http://www.fiyazmughal.org.uk/
36. http://news.bbc.co.uk/2/hi/uk_news/1466283.stm
37. http://www.globalsecurity.org/library/report/2004/muslimext-uk.htm
38. http://debate.org.uk/topics/isamasih/jul98/groups.htm
39. http://www.theredirectory.org.uk/org.php?n65
40. http://www.dailymail.co.uk/pages/live/articles/n

ews/news.html?in_article_id=400605&in_page_id=1770
41. http://www.muslimparliament.org.uk/history.htm
42. Ibid
43. Ibid
44. http://www.muslimedia.com/archives/special-edition/ks-thought/ksthot2.htm
۴۵. برگرفته از سایت رسمی پارلمان اسلامی بریتانیا
http://www.muslimparliament.org.uk/
46. Ibid
47. http://www.muslimparliament.org.uk/about.htm
48. http://www.socialcohesion.co.uk/pubs/isb.php
49. http://www.socialcohesion.co.uk/pubs/isb.php
50. Ibid
51. Ibid
52. http://www.isb.org.uk/pages06/aims.asp
53. Konrad Pedziwiatr, "Creating New Discursive Arenas and Influencing the Policies of the State: The Case of the Muslim Council of Britain", Social Compass, Vol. 54, No. 2, 2007, pp. 267-280.
54. http://www.mcb.org.uk/downloads/MCB_acheivments.pdf
55. http://news.bbc.co.uk/2/hi/uk_news/4081208.stm
56. http://www.mcb.org.uk/aim.php
57. http://mondediplo.com/2006/11/02ukmuslims
58. http://www.mcb.org.uk/uploads/rksgpav3.pdf
59. http://www.foiacentre.com/news-MCB-060510.html
60. http://www.dfid.gov.uk/news/files/pressreleases/ethnic-share.asp
61. http://www.mabonline.net/content/?page=9
62. Ibid
63. http://www.socialcohesion.co.uk/pubs/mab.php
64. Ibid
65. Ibid
66. http://www.mabonline.info/publications/autohtml/Reflections_V/Case%20Study-%20Babar%20Ahmed.pdf

67. Murray, Andrew and German, Lindsey, Stop the War: the story of Britain's biggest mass movement, London: Bookmarks, 2005. p. 81-89
68. http://news.bbc.co.uk/2/hi/uk_news/england/london/4690413.stm
69. http://www.turks.us/article~story~UKEnvoysShunWaronTerror.htm
70. http://www.socialcohesion.co.uk/pubs/mab.php
71. http://www.tau.ac.il/Anti-Semitism/asw2002-3/uk.htm
72. http://www.antisemitism.tau.ac.il/asw2005/uk.htm
73. http://www.mpacuk.org/content/view/2046/44/
74. http://www.socialcohesion.co.uk/pubs/mpacuk.php
75. Ibid
76. http://observer.guardian.co.uk/uk_news/story/0,,1951773,00.html
77. http://www.socialcohesion.co.uk/pubs/mpacuk.php
78. http://findarticles.com/p/articles/mi_qn4188/is_20050813/ai_n14885191
79. http://mpacuk.org/content/view/2120/60/
80. http://www.socialcohesion.co.uk/pubs/mpacuk.php
81. http://www.bbc.co.uk/persian/news/story/2005/07/050718_si-british-muslims.shtml
82. Ibid
83. http://mpacuk.org/content/view/3120/34/
84. http://www.bmf.eu.com/bmf_obj.php
85. http://news.bbc.co.uk/2/hi/uk_news/politics/4694441.stm
86. http://www.sufimuslimcouncil.org/aboutus.html
87. Ibid
88. http://www.craigmurray.co.uk/archives/2006/08/the_neoconserva.html
89. Ibid
90. http://www.dawn.com/2006/09/19/op.htm
91. http://commentisfree.guardian.co.uk/conor_foley/2007/06/friend_or_foe.html
92. http://www.craigmurray.co.uk/archives/2006/08/the_neoconserva.html
93. http://www.rand.org/pubs/monographs/2007/RA

ND_MG574.pdf

94. http://commentisfree.guardian.co.uk/sunny_hundal/2006/07/playing_games_with_our_identit.html
95. http://news.bbc.co.uk/2/hi/uk_news/5120338.stm
96. Ibid
97. Ibid
98. http://www.pluralism.org/news/article.php?id=12800
99. http://www.al-islam.org/biographies/khoei.htm
100. http://www.guardian.co.uk/Iraq/Story/0,,935242,00.html
101. http://www.socialcohesion.co.uk/pubs/hbt.php
102. http://www.hizb.org.uk/hizb/who-is-ht.html
103. http://www.heritage.org/Research/RussiaandEurasia/BG1656.cfm
104. Ibid
105. http://www.mustaqim.co.uk/ipb-archive/commonsense/issue32.PDF
106. http://news.bbc.co.uk/2/hi/programmes/panorama/7022287.stm
107. http://news.bbc.co.uk/2/hi/4127688.stm
108. Ibid
109. http://news.bbc.co.uk/2/hi/uk_news/4449714.stm
110. http://www.timesonline.co.uk/tol/news/uk/article616692.ece
111. http://news.bbc.co.uk/2/hi/uk_news/4449714.stm
112. http://news.bbc.co.uk/2/hi/programmes/newsnight/3670007.stm
113. http://news.bbc.co.uk/2/hi/uk_news/4449714.stm
114. http://ictconference.org/apage/6598.php
115. http://fra.europa.eu/fra/material/pub/muslim/Manifestations_EN.pdf
116. http://www.insted.co.uk/islambook.pdf
117. Ibid
118. Ibid

۱۱۹. جهت اطلاعات بیشتر به سایت این جنبش مراجعه کنید:

http://islamispeace.org.uk/

120. http://www.highbeam.com/doc/1G1-

147755613.html
121.http://www.minorityrights.org/admin/Download/Pdf/muslimsinbritain.pdf
122.http://www.telegraph.co.uk/opinion/main.jhtml;jsessionid=SJ4U44BNTNINRQFIQMGCFFWAVC BQUIV0?xml=/opinion/2001/09/17/do02.xml
123.http://news.bbc.co.uk/2/hi/uk_news/4197218.stm
124.http://www.minorityrights.org/admin/Download/Pdf/muslimsinbritain.pdf
125.http://www.communities.gov.uk/documents/corporate/pdf/citizenshipsurveyaprjun2007
126.http://www2.irna.ir/fa/news/view/menu-273/8607139218153526.htm